

مثلا اگر هزار تومان داشته باشند صد بیست هم بر آن اضافه میکنند برای شکایتیکه از آب وهواي آنجا خواهند کرد بنابراین این پیشنهاد را بگرد رئیس- آقایانی که اصلاح آقای سهرات زاده را قابل توجه می دانند قیام فرمایند (عده کمی برخاستند) رئیس- قابل توجه نشد پیشنهاد آقای کازرونی (بشرح ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم که در سفر سوم از ماده ۷ این جمله اضافه شود در اوقات بدی آب وهواي آنجا کازرونی - بنده که حالا قبول کردم آقایان وقتی مأمور نقاطی میشوند که آب و هوای آنجا بد است اضافه حقوق بگیرند برای بدی آب و هوا است ولی برای خوبی آب و هوا که نباید اضافه حقوق بگیرند مثلا فرض بفرمایند در قسمت جنوبی ایران در بیشتر مواقع سال بهترین آب و هوا را دارد در اوقاتیکه هوایش خوب و مساعد است که نباید اضافه حقوق بگیرند یعنی فقط سه چهار ماه در تابستان است که آب وهواي آنجا بد است که باید بآنها اضافه حقوق داده شود چنانچه می بینم ایلات سردسیر و گرمسیر میکنند که در سال مثلا در موقع زمستان بنقاط خوش آب وهوا میروند یا در تابستان بنقاط دیگر ایستگاه بنده با نظری پیشنهاد کردم رئیس- آقایانیکه پیشنهاد آقای کازرونی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (چند نفری قیام نمودند) رئیس- قابل توجه نشد آقایان تهرانی و آقایان سید یعقوب پیشنهاد کرده اند ماده تجزیه بشود بقسمت يك قسمت تا در صورتیکه و قسمت دوم از «در صورتیکه» تا آخر ماده (قسمت اول ماده بشرح ذیل خوانده شد) بهر يك از مأمورین امریکائی که به موجب این قانون استخدام میشوند برای انجام وظائف رسمی هنگام مسافرت در ایران مخارج لازمه معمولی نیز پرداخته خواهد شد رئیس- آقایانیکه این قسمت را تصویب میکنند قیام فرمایند (افلب برخاستند) رئیس- تصویب شد قسمت دوم (بشرح ذیل قرائت شد) و در صورتیکه بنقاط بد آب و هوا مأمور شده معادل آنچه در قانون استخدام برای مستخدمین کشوری اضافه حقوق منظور شده پرداخته خواهد شد رئیس- رای گرفته میشود باین قسمت

آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر برخاستند) رئیس- تصویب شد رای گرفته میشود بمجموع هر دو قسمت آقایان موافقین با ماده هفت قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند) رئیس- تصویب شد ماده هشت (بمضمون ذیل قرائت شد) ماده هشتم - هر گاه دولت ایران مایل نباشد کثرت هریک از مستخدمین امریکائی را تحت مقررات این قانون استخدام میشود تجدید نماید از سه ماه الی شش ماه قبل از انقضای مدت کثرت مشارالیه بتوسط رئیس کل مالیه این مقصود خود را بستمند مد کور کتباً ابلاغ خواهد نمود هر گاه چنین اطلاعی بترتیب فوق داده نشود و اگر مستخدم مذکور هم سه الی شش ماه قبل از انقضای مدت کثرت خود کتباً بدولت ایران اطلاع نداده باشد که در اوقات مدت کثرت بخدمت خود خاتمه خواهد داد کثرت مستخدم مزبور بهین واسطه يك سال دیگر امتداد خواهد یافت و در آخر یکسال کثرت آن مستخدم قطعاً منقضی خواهد شد رئیس- آقایان سید یعقوب (اجازه) آقایان سید یعقوب - مخالفت بنده در این ماده نه برای اینستکه ماده را قبول ندارم بلکه برای این است که ماده را نه همی چیز است حالا توجه میدهم آقای وزیر مالیه و آقای مخبر وهم آقای تدین و سایر اعضاء کسبون را که آنچه منظور از این ماده است از این عبارت استفاده میشود زیرا در ماده اول این کثرت منویسه که ما این مستخدمین را از سه الی پنج سال یعنی تا سه سال قطعی است و بعد از سه سال تا پنج سال دولت مختار است بآنها اطلاع بدهد که شمارا من نمیخواهم کثرت کنم و اینرا هم باید شش ماه قبل از سه سال یا بنویسد و همچنین آن مستخدم هم میتواند بدولت بنویسد يك چیزی که می خواهم بخدمت خود خاتمه بدهم و اینحق در دو سال و نیم فریب سه سال برای دولت و مستخدم هست ولی در آخر پنج سال یعنی شش ماه یا آخر پنج سال مانده که شد معین است که يك همچو ضاری نیست باین معنی وقتیکه سه سال تمام شد و وارد شدیم در آن دو سال دوم معین است که دولت می داند که این مستخدم باید دو سال دیگر بماند و مستخدم هم میدانند که دو سال دیگر نباید بماند و این اختیار تمام شده است و آنچه که بنده می فهمم این است که مثلا این دو ماده نفری را که ما استخدام کردیم بموجب این کثرت در وسط سه سال اول این حیار هست ولی در دو سال آخر این حیار برای

دولت و از برای مستخدم نیست و بنده آنچه کمی فهمم از این ماده این است و غیر از این هم استفاده دیگری از این ماده نمی شود بواسطه اینکه این ماده این حیار را بطور مطلق فرار داده یعنی نسبت بدولت و مستخدم اینطور میشود که در آخر سه چهار یا اول سه پنج باید دولت باو ابلاغ کند بتوسط رئیس کل مالیه و اگر دولت اینکار را نکرد و با مستخدم هم بتوسط رئیس کل مالیه کتباً بدولت اطلاع نداد بعد از پنج سال هم که تمام شد اگر اطلاع ندادند یکسال دیگر هم باید بماند اگر این مقصود را داشتید میخواستید عوض از سه سال تا پنج سال بنویسد که میخواهم از پنج سال تا شش سال باشد و اگر قسم دوم یعنی ماده دوم باشد که وزیر مالیه و وزارت فواید عامه اجازه داده شده است از سه تا پنج سال این منطبق بر آن نیست و اگر قسم اول است که یکدفعه حیار بیشتر نیست در اینجا بنده عقیده ام اینست باید این عبارت اضافه شود نسبت سه سال یعنی بعد از اینکه دو سال و نیم مستخدم استخدام شد تمام شد آوقت یا او باید بدولت اطلاع بدهد یا دولت باو اطلاع بدهد و اگر این اطلاع را ندادند آوقت یکسال دیگر باقی است والا اگر مرضشان اینست که بعد از پنج سال باز باید باقی باشد این منطبق با آن ماده قسمت و نهافت با مقصود استفاده که شما از ماده میخواهید بکنید دارد حالا ایشرا هم قبول نکنید وزیر مالیه بنده اصراری ندارم که اگر تعارضی که آقایان میفرمایند در این ماده نیست زیرا اولاً یکقدری اشتباه در ماده اول که اظهار فرمودند نموده اند برای اینکه در ماده اول اجازه داده میشود وزارت مالیه که حضرات را کثرت کند برای مدتی که از سه سال تا پنج سال بیشتر نباشد یعنی اختیار خواهیم داشت بموجب آن ماده که يك مستخدمی را اگر خواستیم سه سال نخواستیم چهار سال نخواستیم پنج سال نخواستیم کنیم یعنی کمتر از سه سال نمیتوانیم استخدام بکنیم بیشتر حالا اینجا مقصود اینست که اگر آمدیم مستخدم را سه سال یا پنج سال استخدام کردیم ممکن است در اواخر مدت دولت به بیند این مستخدم را يك سال دیگر لازم دارد و بیش از یکسال لازم ندارد اگر این ماده را رای دادند دولت قادر خواهد شد که در آن موقع بآن مستخدم در صورتیکه

واهم راضی باشد بگوید که يك سال دیگر هم در خدمت بماند آوقت یکسال دیگر هم بماند و این برای تسهیل در کار است که اگر بازم محتاج شدیم باینکه مثلا یکی از مستخدمین تا يك مدت دیگری بکار خود ادامه دهد احتیاج بتجدید کثرت پیدا نکنیم زیرا تجدید کثرت شاید مسئله را اگر شما خواستید تجدید استخدام میکنید اگر او تقواست خودش می رود این بهتر است و تا بماند اگر او تقواست استخدامش میکنید اگر او تقواست و شما نخواستید می رود بماند خدا و دیگر محتاج باین عبارات نیست مغیر- اولاً این نکته اولی که آقای فرمودند وارد نبود... کازرونی- اولی عرض نکردم عرض کردم غلط است مغیر- و ثانیا راجع باین موضوعی که میفرمایند این مستخدمین در صورتیکه منزل و خانه شان در ایران بود ممکن بود تا روز آخر مدت کثرتشان تأمل بشود و تعیین تکلیف برای آنها نشود ولی مستخدمیکه از آن طرف دنیا میاید باید لااقل سه ماه قبل از انقضای کثرت تکلیف خودش را بدهد ما هم این جا چیزی ننوشته ایم فقط نوشته ایم که دولت آنها را تقواست توسط رئیس مالیه سه ماه الی شش ماه قبل از انقضای کثرتشان بآنها اطلاع بدهد و اگر در عرض این مدت این اطلاع را دادند که هیچ و اگر اطلاع ندادند از طرفین یعنی هم از طرف دولت و هم از طرف آنها در شرف اینست اطلاع کتبی داده نشد این کثرت تا یکسال دیگر بحال خودش باقی است و این اشکالی هم بنظر بنده ندارد وزیر مالیه - بعلاوه بنده باید توضیح بدهم که این ماده بصره و اصلاح است و چنانچه عرض کردم شاید دولت لازم بماند خدمت خودش باقی بماند والا اگر مقید باشیم که بعد از پنج سال حتماً کثرت تجدید شود شاید او برای یکسال راضی نشود که کثرتش تجدید شود برای تأمین این نظرها اینجا این طور پیش بینی کرده ایم که اگر ما بخواهیم تا یکسال دیگر بتوانیم او را نگاه بداریم در صورتیکه او هم مایل بماند باشد و این مسئله راه آقایان تذکر می دهیم که آقایان امریکائی ها که اینجا تا حالا آمده اند چند نفر از آنها رفته اند و چند نفر دیگر شان هم میگویند ما نمی مانیم و میرویم بجهت اینکه مستخدم اگر از اوضاع مملکت و کارش خوشوقت باشد میان دو الا می رود و این مسئله چندان اشکالی ندارد جمعی از نمایندگان - گفتند شما کرات کافی است جاری زاده معاد کرات کافی نیست

مستخدمینی که آمده اند از اینجا همینقدر که یکقدری اینجا آمده اند بومی شده اند و دیگر خودشان میروند خوب باین چندان اشکالی ندارد عرض میکنم شما آنها را برای سه سال چهار سال یا پنج سال کثرت میکنید مدت کثرت که منقضی شد اگر شما خواستید تجدید استخدام میکنید اگر او تقواست خودش می رود این بهتر است و تا بماند اگر او تقواست استخدامش میکنید اگر او تقواست و شما نخواستید می رود بماند خدا و دیگر محتاج باین عبارات نیست مغیر- اولاً این نکته اولی که آقای فرمودند وارد نبود... کازرونی- اولی عرض نکردم عرض کردم غلط است مغیر- و ثانیا راجع باین موضوعی که میفرمایند این مستخدمین در صورتیکه منزل و خانه شان در ایران بود ممکن بود تا روز آخر مدت کثرتشان تأمل بشود و تعیین تکلیف برای آنها نشود ولی مستخدمیکه از آن طرف دنیا میاید باید لااقل سه ماه قبل از انقضای کثرت تکلیف خودش را بدهد ما هم این جا چیزی ننوشته ایم فقط نوشته ایم که دولت آنها را تقواست توسط رئیس مالیه سه ماه الی شش ماه قبل از انقضای کثرتشان بآنها اطلاع بدهد و اگر در عرض این مدت این اطلاع را دادند که هیچ و اگر اطلاع ندادند از طرفین یعنی هم از طرف دولت و هم از طرف آنها در شرف اینست اطلاع کتبی داده نشد این کثرت تا یکسال دیگر بحال خودش باقی است و این اشکالی هم بنظر بنده ندارد وزیر مالیه - بعلاوه بنده باید توضیح بدهم که این ماده بصره و اصلاح است و چنانچه عرض کردم شاید دولت لازم بماند خدمت خودش باقی بماند والا اگر مقید باشیم که بعد از پنج سال حتماً کثرت تجدید شود شاید او برای یکسال راضی نشود که کثرتش تجدید شود برای تأمین این نظرها اینجا این طور پیش بینی کرده ایم که اگر ما بخواهیم تا یکسال دیگر بتوانیم او را نگاه بداریم در صورتیکه او هم مایل بماند باشد و این مسئله راه آقایان تذکر می دهیم که آقایان امریکائی ها که اینجا تا حالا آمده اند چند نفر از آنها رفته اند و چند نفر دیگر شان هم میگویند ما نمی مانیم و میرویم بجهت اینکه مستخدم اگر از اوضاع مملکت و کارش خوشوقت باشد میان دو الا می رود و این مسئله چندان اشکالی ندارد جمعی از نمایندگان - گفتند شما کرات کافی است جاری زاده معاد کرات کافی نیست

رئیس - عده برای رای کافی نیست آقای سید یعقوب - برای نفس هم کافی نیست؟ ( در این موقع جلسه برای نفس تعطیل و پس از بیست و یک دقیقه تشکیل گردید) رئیس- ماده هشت مطرح بود و بنده رای بگیریم بکفایت مذاکرات آقایانی که مذاکرات را در ماده هشت کافی میدانند قیام فرمایند (افلب قیام نمودند) رئیس- اکثریت است پیشنهادها قرائت میشود (بشرح ذیل خوانده شد) پیش نهاد آقای شیروانی- بنده پیش نهاد می کنم در ماده هشت از هر گاه الی آخر ماده حذف شود پیش نهاد آقای کازرونی- بنده پیش نهاد می کنم که ماده هشت از سه ماه الی شش ماه مبدل شود بشش ماه الی سه ماه رئیس - توضیحی که ندارید؟ کازرونی- خیر مغیر- اشکالی ندارد رئیس- رای میگیریم ماده هشت تجزیه میشود (خطاب آقای شیروانی) توضیحی دارید؟ شیروانی- بلی اجازه میفرمایند رئیس- بفرمایند شیروانی- قسمت اول بنده لازم میدانم البته اگر دولت کثرت يك مستخدمی را نخواهد تجدید نماید باو اطلاع میدهد و اینرا حالا با این توضیح اینکه آقای وزیر مالیه دادند بنده بی ضرورت میدانم باید وزارت مالیه موافق باشد مستخدمی را که لازم ندارد شش ماه قبل از اختتام کثرتش باو اطلاع بدهد که کثرتش شش ماه تجدید نخواهد شد ولی بنده فلسفه اینکه اگر مستخدم تقواست کثرتش تجدید شود و بهین مناسبت اطلاع نداد دیگر این چه جرمی است که ما باید بدهیم؟ حقیقه بنده نمی فهمم این چه جرمی است که وقتی او اطلاع نداد که مایل به تجدید کثرتش هست یا نیست آوقت دولت ایران موظف است يك سال دیگر هم اضافه کند بمدت کثرت او؟ اگر من معنی این کلمه و مقصود این جمله را می فهمم رای میدادم ولی مقصود را نمیفهمم وزیر مالیه - بنده کاملا توضیح دادم این جرم نیست او اگر اطلاع نداد یا دولت هم اگر نتوانست اطلاع بدهد يك سال دیگر میماند یعنی اگر دولت تقواست باو میگوید آن کثرت شمارا تجدید نمیکنیم

پس اینکه اگر برای مدت قبلی او را لازم داشت میگوید شمارا بیشتر از يك سال لازم نداریم اینکه جرمی نمی شود فلسفه اش را هم عرض کردم يك وقتی است که دولت می بیند اگر این مستخدم يك سال دیگر اینجا بماند مفید است و بیش از يك سال هم لازم ندارد آن وقت برای اینکه دولت مجبور نباشد برای يك سال دیگر که او را می خواهد تجدید کثرت بماند یا بکار آوری کردیم و اینهم برفع و مصلحت ما است رئیس- ماده هشت تجزیه میشود و بقسمت يك قسمت از هر گاه اول تا هر گاه ثانیه است با اصلاحی که آقای کازرونی پیشنهاد کردند و قبول باشد یعنی تبدیل از سه ماه الی شش ماه بشش ماه الی سه ماه می گیریم باین قسمت یاسانی- این اصلاح غلط میشود اینطور درست تر است رئیس - رای می گیریم باین قسمت اول آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند (افلب قیام نمودند) رئیس- تصویب شد رای می گیریم بقسمت دوم شیروانی - قرائت شود (بشرح ذیل خوانده شد) هر گاه چنین اطلاعی بترتیب فوق داده نشود و اگر مستخدم مذکور هم شش ماه الی سه ماه قبل از انقضای مدت کثرتش خود کتباً بدولت ایران اطلاع ندهد باشد که در انتهای مدت کثرتش خدمت خود خانه خواهد داد کثرت مستخدم مزبور بهین واسطه يك سال دیگر امتداد خواهد یافت و در آخر يك سال کثرت آن مستخدم قطعاً منقضی خواهد شد رئیس- رای میگیریم بقسمت دوم آقایانیکه موافقت قیام فرمایند (افلب قیام نمودند) رئیس- تصویب شد رای گرفته میشود بمجموع هر دو قسمت آقایان موافقین قیام فرمایند (غالب نمایندگان قیام نمودند) رئیس- تصویب شد وزیر فواید عامه - چنانچه در دو جلسه قبل عرض کردم و از مجلس شورای ملی استعدا نمودم دایرت کسبون بودجه راجع باعتبار موقتی مخارج طرق و شوارع و راه آهن و گامویری رسیده است و نظر باینکه يك ماده هم بیشتر نیست و در حدود اعتبارات مصوبه پارسله هم هست

لهذا استعدا میکنم همین امروز جزو دستور گذاشته و تصویب شود که کارها موقوف نماید رئیس- آقای غلامحسین میرزا (اجازه) غلامحسین میرزا- موافقم رئیس- آقای آقا شیخ جلال (اجازه) آقا شیخ جلال- موافقم رئیس- آقای آقا سید یعقوب (اجازه) آقا سید یعقوب - با اینکه جزو دستور شود موافقم ولی با ماده مخالفم رئیس- مخالفی ندارید؟ (گفتند خیر) رئیس- آقایانیکه موافقت باین لایحه جزو دستور شود قیام فرمایند (افلب قیام نمودند) رئیس- تصویب شد (دایرت مزبور بشرح ذیل خوانده شد) ماده واحده - وزارت مالیه مجازات مبلغ بانصد و شصت هزار تومان به شرح ذیل : راه آهن صد هفتاد هزار تومان تعمیر و نگاهداری طرق و شوارع - سیصد و شش هزار تومان گامویری سی هزار تومان که مطابق با مباحثی است که باعتبار بودجه مصوب سنه ماضیه ۱۳۰۳ بمحل آمده است در سنه ۱۳۰۴ تا موقع تصویب بودجه مملکتی اعتبار موقت بوزارت فواید عامه بدهد رئیس- آقای حاج میرزا اهدا و اهدا (اجازه) حاج میرزا اهدا و اهدا - بنده يك سزائی داشتم عرض میکنم اولاً از این سی هزار تومانی که پارسله تصویب شده بنده که هیچ عملیاتی نکرده ام در امر گامویری شده باشد و بنده می بینم تمام ایران صدای ناله شان بلند است و می گویند دولت هیچ عدهای پامان کرده است و تمام گاوهای ما مرده است و بنده در قسمت هدانرا که اطلاع دارم دولت صد دینار هم در آنجا خرج نکرده است این بود که خواستم از آقای وزیر فواید عامه سؤال کنم که این مبلغ در کجا بصرف رسیده و خرج شده دیگر اینکه در مسأله راه آهن و کشتیرانی میخواستم عرض کنم هشتاد و پنج هزار تومان که برای او کوموتیو تصویب شد دیگر این صد و هفتاد هزار تومان چیست؟ بعلاوه از فراری که شنیده ام در این راه آهن خوب می سوزاند خواستم ببینم

آزاد کاری برایش کرده اند که با نفاذ باغفال سنگ بسوزانند یا خیر؟  
چون از قرار می گویند اگر باجوب بسوزانند اصلا کارخانه اش از بین میرود و سوخته می شود  
استدعا میکنم این دو مسئله را جواب بدهند  
وزیر فواید عامه - اولاً قسمتی که راجع بهمدان اشاره فرمودند مطابق اطلاعاتیکه در دوسه روز قبل از طرف مفتشینی که سمت قرب اعزام شده راجع بامراض حیوانی و مخصوصاً گاومیرمی رسیده است در همدان هیچ ابتراض نیست  
بعلاوه امراض حیوانی در این مملکت چند سال است بروز کرده و انواع و اقسام دارد  
طاعون گاوی هست ، سیاه زخم هست بعضی امراض دیگر هم هست و امسال تازه يك قدمهای کوچکی برای جلوگیری از این بلا برداشته شده است و اگر دولت بخواهد در این قسمت اقدام جدی کند نه از حیث این مبلغ و نه از حیث وسایل موجود و نه از حیث وقت بهیچوجه کافی نیست  
باینکه بتواند بامراض حیوانی که در این مملکت شایع است و از خسارت هذمه ادامه داشته مبارزه کند و باین زودی نتیجه بگیرد  
در آخر یارسال سه هزار تومان اعتبار داده شد برای جلوگیری از گاومیرمی از این مبلغ شش هزار تومان فرستاده شد بیاریس برای اینکه ادوات سرم سازی و سرم وارد کنند و هفده هزار تومان هم از این اعتبار در وزارت مالیه باقی است  
زیرا شعبه ای که باید مأمور در رقاب این امر یعنی جلوگیری از آفات حیوانی و گاومیرمی تأسیس شود بعضی ترتیبات و انبیه لازم دارد  
این اعتبار در وزارت مالیه گذاشته است برای مهیا کردن آن وسایل و بقیه این مبلغ را خود وزارت فواید عامه در تهران سرم تهیه کرده است و خوشبختانه نتیجه هم که از این سرم حاصل شده است خیلی رضایت بخش بوده است  
باین معنی که با سرمیکه در تهران تهیه شده مأمورین فرستادیم در دماوند و خوار و ورمان و گاوها را سرم زدند و در هر سه جا که این عمل را کرده اند خیلی خوب شده و تمام گاوهائیکه با این سرم تزریق شده اند از هلاکت نجات یافته اند و نمرده اند  
حالا شاید تقریباً یکی دوتا استثنا داشته باشند و مرده باشند ولی مابقی خوب شده اند و خود این يك قدم بزرگی بوده است که برداشته شده است  
زیرا هیچ انتظار نرفت که با سرمی

که در خود طهران تهیه می شود و با این مبلغ کم این نتیجه مطلوب حاصل شود  
بهین جهت هم هست که بنده تقاضا کردم این اعتبار زودتر از طرف مجلس شورای ملی داده شود که با اقدامات و عملیاتی که در تکمیل جلوگیری از امراض حیوانی شده است سکت و وارد نباید و معظوری بر نخورد  
اما قسمتی که راجع بر آه آن فرمودند راست است يك اعتباری قریب هشتاد و پنج هزار تومان خواسته شده است برای خرید دولو کوموتیو  
اولاً متأسفانه این اعتبار هنوز تصویب نشده است ولی ما از طرف جونی هائیکه بوده است لو کوموتیو را ناچند واگون بانتظار تصویب این اعتبار خریدیم و وارد هم شده است  
و این صد و هفتاد هزار تومان را که خواسته ایم از نقطه نظر لو کوموتیو و واگون نیست  
بنده چندین مرتبه اینجاهر ضکر دهم و يك مرتبه دیگر هم عرض میکنم که اگر دولت ایران و مجلس شورای ملی بخواهند راه آه آن معضری که پیارسیده است منظم نگاه بدارند الان معنای بهتصدیه تصد هزار تومان تعبیرات و این صد هفتاد هزار تومانی هم که ما میخواهیم سی و چهار پنج هزار تومانش راجع بسدریاجه ارومیه و کشتیرانی است و صد و سی و چند هزار تومانش هم راجع بر آه آن است که از بابت حقوق مستخدمین و سوخت و معارج جاری راه آه آن است  
اما اینکه فرمودند که ششصد و هشتاد و پنج هزار تومان را باجوب می سوزانند راست است  
در يك موردی هیچوقت پیش آمده است بواسطه اینکه يك مرتبه در آذربایجان نفت گران شد و وقتی که جمع و خرج میکردند دیدند مصرف نمودن نفت آه آن گران است که در ایات می شود صرفه ندارد و خیلی گران تمام میشود  
لذا ترجیح دادند سوزاندن جوب را بانتظار اینکه این بهران نفت بر طرف شود  
ولی بعد این بهران هم مرتفع شده است و حالا با نقت می سوزانند  
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است  
رئیس - مذاکرات کافی است ؟  
بعضی از نمایندگان - بلی کافی است  
آقاسید یعقوب - بنده توضیحی می خواستم سؤال میکنم از آقای وزیر اجازه هم خواسته بودم  
رئیس - رای گرفته می شود به ماده واحده  
حاج میرزا عبدالوهاب - بنده پیشنهاد دارم  
(پیشنهاد آقای حاج میرزا عبدالوهاب

شرح ذیل خواننده شد)  
بنده پیشنهاد میکنم سی هزار تومان گاومیرمی برای تمام ایران باشد  
رئیس - بفرمائید  
حاج میرزا عبدالوهاب - چون آقای وزیر فرمودند مفتش ما بسبت غرب هم رفته و در همدان گاومیرمی نیست تصدیق دارم زیرا سالیه با نقتا موضوع است یعنی گاومیرمی باقی نیست و هر چه بوده مردمان دیگر فرمودند از این اعتبار قسمتی که خرج شده من جمله در دماوند و خوار و ورمان بوده است  
بنده می خواهم ببینم که این مالیه هائی که از مردم می گیرند از طهران و توابع آن است یا از تمام مملکت اگر از طهران و توابع است که هیچ  
ولی اگر مال تمام مملکت است که باید خرج تمام مملکت بشود دیگر متعصر بودن بورامین و دماوند را بنده فلسفه اش را نفهمیدم  
وزیر فواید عامه - بنده عرض نکردم این اعتباری که داده شده است برای گاوماهی طهران و اطراف آن است و خود آقای تصدیق دارند که يك چیزی که حاضر می شود اول در نواحی نزدیک و جاهائی که سوان کارش بهتر فراهم است از آنجا شروع می کنند و بعد متدرجاً بسط پیدا میکنند  
ولی البته بعد از اینکه کارهای اطراف طهران تزریق شدند بعداً هم می رود بر سر و بر سر و بر سر جاهای دیگر هم می رود کسی نگفته است که کارهای اطراف تهران باید سالم باشند ولی کارهای همدان یا جاهای دیگر ناخوش باشند  
ولی اینکه فرمودند در همدان گاومیرمی باقی نمانده است راست است  
بنده تصدیق دارم و اعتراف میکنم که آفات حیوانی در این مملکت مدتهاست جریان دارد  
ولی در آخر سینه گذشته يك قدمهائی برای جلوگیری این مرض برداشته شده است و حالا اگر سابقه کرده اند دیگر مسئولیتی متوجه کسی نیست  
رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای حاج میرزا عبدالوهاب را تصویب میکنند قیام (عنه قلبی قیام نمودند)  
رئیس - قابل توجه شد . پیشنهاد آقای هرمزی  
(شرح ذیل خواننده شد)  
بنده پیشنهاد میکنم و کشتی رانی بعد از راه آه آن اضافه شود  
وزیر فواید عامه - این صحیح است از نفع افتاده هم کشتی رانی است و هم راه آه آن  
در لایحه دولت هم گویا هست این اصلاح عبارتی را بفرمائید  
رئیس - پیشنهاد آقای حاج میرزا

عبدالملی طباطبائی  
(بضمون ذیل قرائت شد)  
پیشنهاد می نمایم بعد از جمله راه آه آن نوشته شود :  
جلفا - تبریز و کشتی رانی دریاجه ارومیه  
رئیس - اینرا هم قبول میکنید ؟  
وزیر فواید عامه - البته این اصلاح عبارتی است  
مقصود از راه آه آن البته راه آه آن - جلفا بسبب تبریز و شرف خانه است و تمام هم از همین صد و هفتاد هزار تومان است  
بنده می خواهم ببینم که این مالیه هائی که از مردم می گیرند از طهران و توابع آن است یا از تمام مملکت اگر از طهران و توابع است که هیچ  
ولی اگر مال تمام مملکت است که باید خرج تمام مملکت بشود دیگر متعصر بودن بورامین و دماوند را بنده فلسفه اش را نفهمیدم  
وزیر فواید عامه - برای اینکه آقایان تصور نکنند که رد شدن پیشنهاد آقای حاج میرزا عبدالوهاب معصوم می کند این اعتبار را بکارهای اطراف تهران بنده سراچه در مقابل آقایان نمایندگان عرض می کنم که این اعتبار برای تمام ایران است و بنابراین هیچ نگرانی نباید داشته باشد از اینکه پیشنهاد رد شد زیرا عدم تصویب پیشنهاد ایشان از نقطه نظر موضوع بوده است نه اینکه اصل مطلب قابل توجه نبوده است  
رئیس - پیشنهاد آقای شبروانی قرائت می شود  
(بترتیب ذیل خواننده شد)  
بنده پیشنهاد می کنم قسمت سوم اینطور اصلاح شود  
تهیه سرم گاومیرمی برای تمام مملکت وزیر فواید عامه - اولاً این اعتبار منحصرأ برای تهیه سرم نیست که گفته شود تهیه سرم برای مملکت  
لهذا بنده پیشنهاد می کنم نوشته شود برای جلوگیری از گاومیرمی در تمام مملکت و بعلاوه بنده خیال نمی کردم يك نفر نماینده دولت در مجلس علنی يك چیزی را که سراچه تقبل می کند دیگر محتاج باین قبیل پیشنهادات بشود و این اظهار هم اظهار رسمی بود  
ولی مدالك برای رفع هر گونه نگرانی خاطر می فرماید بفرمائید برای جلوگیری از گاومیرمی در تمام ممالک محروسه ایران  
(پیشنهاد آقای حاج میرزا عبدالملی طباطبائی شرح ذیل قرائت شد)  
پیشنهاد می نمایم بعد از جمله طرق و شوارع نوشته شود جنگل  
وزیر فواید عامه - این مربوط جنگلها نیست اعتبار جنگلها علیحده است و در جرحه دجه بند خواهد آمد

حاج میرزا عبدالملی - بنده پس می گیرم  
(پیشنهاد آقای میرزائی بضمون ذیل خواننده شد)  
بنده پیشنهاد می کنم ماده واحده تجزیه شود  
رئیس - بفرمائید  
میرزائی - بنده مقصودم این بود که قسمت قسمتی را گرفته شود برای اینکه در قسمت دوشم عرضی دارم و میخواهم يك چیزی بفرم  
وزیر فواید عامه - لذا کره تجزیه میشود یا رای ؟  
رئیس - رای گرفته می شود به ماده واحده  
سه قسمت می شود :  
اول راه آه آن - تبریز و دریاجه ارومیه - صد هفتاد هزار تومان  
آقایانی که تصویب می کنند پیام فرمایند  
(اغلب قیام نمودند)  
رئیس - تصویب شد  
قسمت دوم تعمیر و نگاهداری طرق و شوارع سیصد و شصت و شش هزار تومان  
آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند  
(اغلب قیام نمودند)  
رئیس - تصویب شد  
قسمت سوم برای جلوگیری از گاومیرمی در تمام مملکت  
وزیر فواید عامه - از آفات حیوانی باید نوشته شود زیرا گوشتند هم است  
رئیس - برای جلوگیری از آفات حیوانی در تمام مملکت سی هزار تومان  
آقایان موافقین قیام فرمایند  
(اکثر برخاستند)  
رئیس - تصویب شد  
رای گرفته می شود به مجموع سه قسمت باورقه  
آقایانی که تصویب می کنند ورقه سفید والا کیود خواهند داد  
(اغلب موافقین قیام نمودند)  
رئیس - بنده حضار هشتاد و نه با هفتاد و هشتاد رای تصویب شد  
اسامی رای دهندگان :  
آقای میرزا رضا خان حکمت - رهنا - محمد هاشم میرزا اجاق - دکتر احتشام طباطبائی - افتخار - آقا شیخ هادی - آقا میرزا شهاب الدین - ازولاب کبیر - دامغانی - یاسائی - صدیق السلطنه - احیاء السلطنه - سهراب خان - نظام التولیه - شوشتری - صدر - الاسلام - یمن الملک - عدل الملک - دولت آبادی - حاج مشیر اعظم - علائی - سلطان ابراهیم خان - آقا شیخ جلال الدین - حاج شیخ عبدالرحمن - ایزدی - صدرائی -

سهام السلطان - شریعت زاده - سهراب - زاده - وحید الدوله - کی استوان - دیوان - بیگی - مفتی - آقا میرزا آقا خان - آقا میرزا عبدالله خان معتد - قوام الدوله - عماد السلطنه - سردار منتصر - فتح الله میرزا - معظم السلطان - حاج میرزا اسماعیل خان - حاج میرزا محمد رضا - شبروانی - اعتبار الدوله - نجات - ضیاء الملک - نصرت الدوله - امین الشریقه - آقا سید یعقوب - امیر احتشام - سردار نصرت - آقا میرزا سید احمد بهبهانی - ملک الشعراء - ضیاء الوافظین - شیخ الاسلام ملایری - سیزوار معتد - حاج سید المعقین - طهرانی - دکتر امیرخان افام - قائم مقام - صدیق السلطنه - غلامحسین میرزا - حاج میرزا علی رضا - محمد ولی میرزا - اسکندری - عظیمی - هاتم - تجدد - مدیر الدوله - ماضد السلطنه  
رئیس - آقای کازرونی  
میرزا اهل کازرونی - عرضی ندارم  
رئیس - پیشنهادی از طرف آقای افشار رسیده است قرائت می شود  
(شرح آتی خواننده شد)  
نظر باینکه آقای رئیس کمال مالیه صبح روز شنبه بیست و ششم اردیبهشت از طهران بطرف امریکا عریض خواهد کرد و مقتضی است قبل از حرکت مشار الیه تکلیف لایحه مربوط با استخدام دوازده نفر مستشار مالی معلوم شود  
لذا محترماً پیشنهاد می کنم امروز بعد از ظهر جلسه فوق العاده تشکیل و تکلیف این لایحه معلوم و نتیجه بمشار الیه ابلاغ شود  
رئیس - آقای افشار  
(اجازه)  
آقا میرزا رضا خان افشار - چون از لایحه استخدام دوازده نفر امریکائی برای وزارت مالیه اینقدری باقی نمانده و مذاکره در آن هم - هم چندین وقت زیادی لازم ندارد و نظر باینکه دکتر میلسپور روز شنبه حرکت بمس امریکائی نماید و تغییراتی که از طرف مجلس در این مواد میشود باید بمشار الیه اطلاع داده شود برای اینکه بواسطه مغایرات تلگرافی دچار خسارت مائی نشویم لهذا بنده پیش نهاد کردم بعد از ظهر امروز هم جلسه تشکیل شود و آقایان هم موافقت بفرمائید و تشریف بفرمائید و تشریف بیاورند تکلیف این لایحه معلوم شود و نتیجه را بمشار الیه ابلاغ نمایند  
رئیس آقای شوشتری  
(اجازه)  
آقاسید محمد علی شوشتری - عرضی ندارم رای بگیرد  
رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب  
(اجازه)  
حاج میرزا عبدالوهاب - رای گرفته

شود بنده هم عرض ندارم  
رئیس - عده کافی نیست برای رای آقای آقا شیخ جلال هم پیش نهاد کرده اند جلسه ختم شود  
جمعی از نمایندگان صحیح است  
رئیس - جلسه آتی روز شنبه دستور هم بقیه دستورات روز  
(مجلس يك ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)  
رئیس مجلس شورای ملی منشی منشی حسین پیرنیا - م - شهابی - دکتر احتشام طباطبائی  
جلسه ۱۶۶  
صورت مجلس یوم شنبه بیست و ششم اردیبهشت هزار و سیصد و چهار مطابق بیست و دوم شوال هزار و سیصد و چهل و سه  
مجلس ۳ ساعت قبل از ظهر بریاست آقای آقا میرزا حسینخان پیرنیا تشکیل گردید  
(صورت مجلس شنبه بیست و چهارم اردیبهشت را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند)  
رئیس - آقای آقا شیخ جلال  
(اجازه)  
آقا شیخ جلال - قبل از دستور عرض دارم  
رئیس - آقای روحی  
(اجازه)  
روحی - بنده هم قبل از دستور عرض دارم  
رئیس - آقای آقاسید یعقوب  
(اجازه)  
آقاسید یعقوب - آن کلمه سردار اجل را خواستم عرض کنم باسم تبدیل شود چون قانون از مجلس گذشته است  
رئیس - آقای کاشانی راجع بصورت مجلس است ؟  
آقا میرزا سید حسن کاشانی - خیر بنده قبل از دستور عرض دارم  
رئیس - نسبت بصورت مجلس معارضی هست یا نه ؟  
(گفته شد خیر)  
رئیس - آقای آقا شیخ جلال  
(اجازه)  
آقا شیخ جلال - من چون سیاست استتار را منافی با حکومت ملی می دانم در این موقع مقتضی می دانم چند دقیقه وقت مجلس را معقول نموده و بعضی مطالب را بعرض آقایان برسانم  
در جلسه اسبق که نماینده محترم مازندران در اطراف تمذیبات ترا که بیاناتی فرمودند انتظار صرفت که نماینده حکومت يك توضیحاتی بدهد که لا اقل این انتشاراتی که در شهر هست از بین برود بیغم التأسف آقای منصور الملک معاون وزارت داخله مثل يك نفر دیپلمات در سبب کرسی خواهد

آمده و يك بیاناتی فرمودند که مزید نگرانی شد  
قبل از جلسه گذشته بنده افتاد داشتیم که این انتشارات در ردیف همان انتشارات معموله در شهر است  
نجات - همه دروغ است  
آقا شیخ جلال - ولی آقای منصور الملک اگر چه چیزی را تصدیق نکردند ولی ضمناً مطالب را هم بطور روشن فرمودند که ما کاملاً مستعضر شویم این انتشارات اساس ندارد  
همه نمایندگان  
آقا شیخ جلال - خوب اگر مجلس از اجازه نمی دهد عرض نمیکنم  
(در این موقع آقای رئیس چند کلمه با ایشان آهسته مذاکره نمودند)  
آقا شیخ جلال - عامی شنویم تقریباً يك عده چهار پنج هزار نفری از ترا که با بقیه سرخ در حدود تجاوز کرده و در نجران صالح طلب ایران را مورد ناخ و تاز خودشان فرار داده اند  
بعضی از نمایندگان - با همه این طور نیست  
آقا شیخ جلال - بیاناتتان را باید بفرمائید ما می شنویم که بجزورد در حال معاصره است  
نجات - آقا دروغهای مردم را که نمی شود در مجلس گفت  
همه بین نمایندگان  
آقا شیخ جلال - اگر اجازه نمی دهید عرض نمیکنم  
بنده عقاید شخصی خودم را عرض میکنم از طرف آقایان عرض نمیکنم  
ما می شنویم که در حدود لطف آباد تمذیقات باهالی و رعیت باندها رسیده است که مردم فاقه آند که بشورند بهین جهت مجبور شده اند مهاجرت کنند بلکه عده از تشنگی هلاک شده اند  
البته يك دلیل قاطعی هنوز نامه نشده است که این انتشارات تا چه اندازه صحت دارد و هیبتطور می شنویم که از طرف روسها در تشکیلات بحر خزر بدون مراجعه بدولت ما مداخله می شود  
همه نمایندگان  
رئیس - بنده از آقای آقا شیخ جلال پرسیدم نظری را که میخواهند بکنند از روی تأمل و فکر است یا خیر  
فرمودند بی  
مجلس شورای ملی با ایشان اجازه می دهد که در این زمینه صحبت کنند یا خیر ؟



دلایلی که عرض کردیم خود آقای وزیر مالی از نقطه نظر حقوق دانی تصدیق فرمایند بنده را کردند منتهی فرمودند اینطور واقع شده است و نظر سابقه است ولی حقیقتاً يك مستخدمی که چهار سال بی دردی کار کند و آنوقت بازدولت بیخواهد سوار نگاهدارد در واقع ما بیک شخصی میخواستیم که حق بدیم.

بعضی از نمایندگان - دوحق.

آقا سید یعقوب - الان عرض میکنم آن ماههایی که مرخصی داشته که فرمودند دوازده ماه حق میگیرد لیکن یازده ماه کار می کند این یکی اینجا هم یکی که جمع میکند دوازده ماه حقوق میگیرد يك دفعه هم که دولت میخواهد او را نگاه دارد آن وقت سه حقوق میگیرد.

(همه نمایندگان.)

آقای کتبی بازم آمریکائی هستند بگذارید این چهار نفر برود باز هم در آنوقت مجلس هست.

غالب ماها هم که حالا رأی میدهیم مسلماً آنوقت هم خواهیم بود و رأی خواهیم داد.

این چه الزامی است که ما یک نفر را سه حق بدیم بنده عقیده ام این است که این پیشنهاد را آقای مخبر کمیسیون استرداد کنند.

بعد اگر لازم شد مجلس هم هست ممکن است يك لایحه تقدیم کنند تصویب هم میشود این است که چون افراط است بنده نسبت باین حقوق مخالفم.

رئیس - آقای کارزونی (اجازه)

کارزونی - مخالفم.

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - مخالفم.

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - بنده تصور نمی کردم که در این قسمت مخالفتی بحدود بدلیل آنکه یکی از موارد حق و مطابق فلسفه و برهان است.

فرض می کنیم یک نفر را اجیر می کنیم برای يك مدتی ماهی دوازده تومان حقوق بدهیم بقیه اینکه روزهای جمعه مرخص باشد و وقتی که این قید را کردیم معنایش اینست که روز جمعه را حقوق بگیرد و کار نکند.

حالا اگر از او خواهش کردیم که روز جمعه را بیاورد کار بکند این فوق العاده است و باید پول باور داد این يك مسئله عقلانی است و قابل تردید نیست و این قسمت در لایحه دولت که تقدیم شده است و طبع و توزیع هم شده است درج شده در کمیسیون بودجه در موقعی که این را برت تنظیم میشد

از نظر افتاده بود این بود که تا آنجا از طرف دولت تقاضا شد این جزء را در کمیسیون مطرح کنیم و در صورتی که کمیسیون موافقت نکند راپرتش را بمجلس بدیم بعد از آنکه در کمیسیون مطرح شد با آن اصلاحی که در آنجا شده و بعضی آقایان میرسد قبول شد و آن اینست که اگر چنانچه در موقعی که آن مستخدم میخواست از مرخصی خودش استفاده کند اگر دولت وجود او را لازم دانست و قائم مقامی را هم که بتواند از عهده کارهای او بر آید بین ایرانی ها پیدا نکرد در این صورت دولت از او خواهش میکند که این چند ماه را بماند و کار بکند اگر قبول کرد باید با حق داد علاوه بر آن حق که قانوناً باو تعلق گرفته است این يك موردی است که در کمال حقانیت است و هیچ جای تردید نیست شاید هم در آن موقعی که بخواهند بر شخصی بروند يك قائم مقام از ایرانیها یا رئیس اداره یا مدیر کل وزارتخانه بتواند کار او را انجام دهد.

در اینصورت دولت البته صرف نظر خواهد کرد و پول هم نخواهد داد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

(بعضی گفتند کافی نیست)

رئیس - رأی می گیریم بکفایت مذاکرات.

آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر برخاستند)

رئیس - اکثریت است.

این ماده علیحده میشود بتوان ماده دوم رأی میگیریم آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند.

(همه قبلی برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده دوم (شرح ذیل قرائت شد)

ماده دوم - حقوق مستخدمین آمریکائی که تحت مقررات این قانون استخدام می شوند همراهه در یازدهم همان ماه از فرار دود دلار طلای ممالک متحده پرداخته خواهد شد.

(قیمت دلار کمتر از یکتومان و بیشتر از یازدهم قران در صورت ترقی و تنزل محسوب نخواهد شد و هر گاه نرخ دلار ما بین این دو مبلغ باشد به نرخ روز احتساب میشود)

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده نظیر هرایش را که در این ماده میخواستیم بکنیم سابقاً هم کرده بودم در این گفتگوهای حساب فراتر وقتی که قیمتش دوریال بود دوریال میگرفتند

وقتی که تنزل کرد آمدند گفتند دوریال باشد فراتر آمد رسید بصدد دینار باز یخه ما را گرفتند و همان دو قران را

دادیم همه جا بضرر ما تمام می شود بنده پیشنهاد می کنم همانطوری که ملتی میخواست آثار ملیت خودش باقی بماند بنده هم میایم اسم تومانی باشد چه عیب دارد؟

بنده نفهم نمی خواهم يك تومان باشد چون یقین دارم که بضرر ما تمام خواهد شد و همان یازده قران خواهند گرفت و لو این که دلار هم هشت قران بشود همان یازده قران را خواهند گرفت.

حالا بنده پیشنهاد می کنم همان تومان باشد و الان هم کمتر است و یکی این که مقیاسها قران است و تومان نباید مستخدم را بلطف تومانی بگیریم آخر ما هم يك ملتی هستیم قوانینی که میگذرانیم بلطف خودمان باشد

می گویند این مستخدمین نمی توانند تومانی ما را بفهمند آنوقت اینها میخواستند مایه را اداره کنند جزء جمع ما را مطلع بشوند کسانی که باید با اصطلاح شیراز و قونیه را بدانند آنوقت می فرمایند پول ما را نمی دانند!

این هم دلیلی است که منطبق ندارد پس بهترین است که آقای مخبر کمیسیون تفضل کنند و این قسمت را قبول کنند که تومانی باشد هیچ چیزی ندارد چرا برای این که بعد از این هم میزان در دست ما باشد و دولت بدانند که مستخدمین را که استخدام میکنند بمقادیر و عیزانی که معمول است کمترین کند آخر ما هم دارای يك آثار ملیتی هستیم از این جهت این پیشنهاد را کردم

مخبر - تعیین دلار و تومان مربوط به آثار ملیت نیست

آقا سید یعقوب - پس قبولش میکنند.

مخبر - بنده هم نمی توانم قبول کنم و همانطور که در سابق در این قسمت برای جنابعالی توضیح دادم آن مستخدمین را که شما می خواهید استخدام کنید درست است که برای امور مالی می آورند ولی او امروز از تومانی شما اطلاع ندارد و نمی تواند مقایسه کند با دلار آنجا او باید بداند که با اندازه پول خودش چقدر باو می دهد و با مقایسه که در آنجا دارد مقایسه کند بهیند که اقتضا می کند که این خدمه ترا قبول کنند آنوقت بیاید.

ولی وقتی که آمدند اینجا البته از امور مالی شما مطلع می شوند و تومانی و دینار داریم مطلع می شوند و اما این که فرمودند در ضمن اظهاراتشان که اگر هشت قران هم بشود همان یازده قران حساب می کنند این را بنده هیچ متوقع نبودم جنابعالی در مجلس بفرمائید برای این که بهیچ وجه این قبیل مسائل واقفیت ندارد

آقا سید یعقوب - فراتر چه بود؟

مخبر - فراتر را خودتان قانون وضع

کردید که در قران باشد - دلار هم هر قدر بوده حساب شده اند اما اینجاست که باید کردیم و این حد را قراردادیم که اگر از آن شد از يك تومان کمتر نباشد و اگر هم هر قدر گرانتر از یازده قران بیشتر نباشد.

ما بین یکتومان و یازده قران هم اگر بود مثلا یکتومان و ده شاهی بود همانطور حساب کنند و اگر مثلا يك تومان و نه شاهی شد ما را حساب کنند - این امیثیتی ندارد.

رئیس - آقای کارزونی (اجازه)

آقای میرزا علی کارزونی - آقای مخبر سلمه اله تعالی اظهار فرمودند که تعیین قران و دلار و امثال اینها هیچ ربطی بملیت ندارد حال آنکه نمی دانم اگر کمتر مربوط بملیت مناسبت چه اندازه قوت با تصرف می دهد مسلم است ما ایرانی هستیم و پول ما تومان است و آنجا دلار است پول جای دیگر فرانک است تا همین اندازه که انتسابش با ملت است اگر نباشد ما در مجلس شورای ملی وقتی يك لایحه می گذرانیم پول را از روی معاملات و ترتیبات يك مملکت خارجی قائل شویم

مثلاً اینکه در این قسمت ما يك حیثیتی داریم و این قسمت را قبول نمی کنیم هیچ چیزی ندارد چرا برای این که بعد از این هم میزان در دست ما باشد و دولت بدانند که مستخدمین را که استخدام میکنند بمقادیر و عیزانی که معمول است کمترین کند آخر ما هم دارای يك آثار ملیتی هستیم از این جهت این پیشنهاد را کردم

در صورتی که هر ماهی یا هر سه ماهی مبلغها خرج يك وایریت جسم و عریض و طولانی میشود

البته با هر یک که می رود مستخدمین هم البته مراجعه باین قسمت می کنند قران - صد دینار پنجاه دینار همه در آنجا نوشته شده است

اینکه برای ما نیست ما که می دانیم بیست شاهی یک قران است این برای آنها نوشته شده است استفاده نفعهم که مشکل نیست که بپردازیم در ولایات شما دلار چقدر قیمت دارد

پس این يك بدبختی است و در هر صورت شاید مملکت مستقلی هستیم بل داریم مقیاس برودتان قابل هستیم

پول ما قران است پس بگوئید يك تومان كم است دو تومان بکنید دلار کدام است ؟ فرانک چیست یونگ یعنی چه مارک چه چیز است این همه طول و تبصیل و دفاع لازم ندارد

در هر صورت بنده عقیده ام این است که این جا بایستی بقران معین شود و وزیر مالی بنده تأسف می خورم بعضی از آقایان مسئله را مدافعه نمی کنند و آنوقت دیگر آن را مورد حملات قرار می دهند

این مسئله دلار و لیره و تومان يك مسئله

خیلی غامض نیست و خیلی ساده است همین طور که آقا می فرمایند ما يك مردمانی هستیم و حیثیتی داریم اگر چه این مطالب مربوط بحیثیت نیست ولی بعضی خوشفروتنی خاطر ایشان عرض می کنم

برای همان حیثیتی که ما داریم وقتی که این اشخاص استخدام شده اند دلار دوازده قران و چند شاهی بود بعد نامیزان هشت قران و ده شاهی رسید و آنها هم همانقدر گرفته اند و ده قران را دوازده قران نگرفته اند

حالا می گوئید من باید بدانم و مطمئن باشم که چه می گیرم

ندانستن هم از باب این نیست که فهم و مدرك این را ندارند که دوازده قران چقدر است

ندانستن از باب این است که پول امروز در دنیا میزانش معلوم نیست چه چیز است يك پولی بگردد بگردد بگردد روزی بچقران

این شخص می خواهد مطمئن باشد نگاه بکنند بزند گاهی خودش و بملکت خودش چون این پول که باور داده میشود و تمامش را در ایران صرف نمی کنند می خواهد ببرد برای مملکت خودش صرف خواهد کرد

می خواهد بداند چه عایدش می شود و زندگی خودش را دروی چه اساسی قرار بدهد

بنده گذشته از این که در ایران چند سال باین مسئله مبتلا بودیم در فرنگستان هم که ما مورث داشتیم از طرف دولت آن وقت که بگفته مستخدم استخدام کنیم در بعضی از آنهائی که يك مناسبی بنده مراجعه میگرداند

از برای مستخدمین معارف با اینست و یاستود کترهایی که استخدام کردیم خیلی در این موضوع دقت میگردیم و باز هم موفق میشدیم

آن سخت گیری هائی که ما کردیم و بیشتر از آقایان حاضر هم سخت گیری کردیم سبب شده آنطور که میخواستیم نتیجه نگرفتم

نکته حفظ شیئا و غایت هنک اشیا و باید ملاحظه کرد

و دیدید که هر وقت می خواهید از يك طرف شما يك مسئله را حفظ کنیم از يك طرف دیگر يك مصالح دیگری فوت نشود

و این مسئله پول اینطور است و از خوبختی پول ما در این اواخر طوری بوده است که بصره ما تمام شده است و همین جهت آنها می خواستند مطمئن باشند که با ایشان ضرر وارد نیاید

حالا ما در این لایحه دو طرف را ملاحظه کردیم

اوت فکر میکند که اگر دلار رفت هشت قران شد من چگونه مقادیر از حقوق من کم میشود ما هم فکر میگردیم اگر از یازده قران زیادتر شد ما چگونه کمترین کنیم این است که طرفین فکر کردیم و این حد را فراتر گذاشتیم که از يكتومان کمتر و از یازده قران زیادتر نباشد

یعنی فردا اگر دلار رفت و شد چهارده قران دوازده قران بیش از یازده قران نمی دهیم و در عرض باید ملاحظه آنطرف را هم کرد و رعایت انصاف را هم کرد

حال او هم اگر هشت نه قران شد از يكتومان باو کمتر ندیم

این يك مسئله ای است خیلی هم ساده و خیلی هم روشن

نرخ خیلی بحیثیت دارد نه دخلی بهم و مدرك ما وارد دارد و به هیچ چیز هم مربوط نیست

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب بنده در دو جزء این ماده مخالف بودم

یکی این است که نوشته شده است در بنده نمی دانم چه اختصاصی دارند اینها نسبت بسایر مستخدمین دولت؟

هر وقت مال مستخدمین دولتی داده شد مال آنها هم داده شود

حالا آنها اختصاصاً یازدهم هر برچی حقوق خودشان را بگیرند و سایرین ششماه و هفت ماه بمانند بنده مخالف این یکی

یکی دیگر این که فرمودند کم زیاد می شود آنها باید بولشان را با آنجا بفرستند ضرر میکنند

بنده خودم يك پیشنهادی داده بودم ولی بایشتهادی که آقای طهرانی دادند موافقت می کنم که به نرخ روز داده شود

بجهت این که افنها اگر باید بولشان را با آنجا بفرستند هزار دلار را گرفت دلار هشت قران شده همان هزار دلار را می گیرند و اگر هم یکتومان یا دوازده قران شد باز هم همان هزار دلار را می گیرند

و برای آنفرمایشی که آقای وزیر مالی کردند آن عیب را دیگر نیاید نمی کند

لذا بنده این پیشنهاد را کردم نرخ روز باشد

مخبر - هیچ فلسفه برای این که نوشته شده باید یازدهم ماه بگیرند بالاتر از خود این قانون نیست

بجهت این که ما اینها را از آنطرف دنیا می آوریم و باینها احتیاج داریم چنانچه الان چند روز است که وقت مجلس مشغول این قانون است

پس معلوم می شود که محتاج هستیم بملاوه مستخدمین ایرانی که در ایران هستند این جا وطنشان است اگر یکماه حقوقشان فرضا عقب بیفتد می توانند تسویه هم بکنند

اما مستخدم امریکائی که آمدن این جا نمی تواند سه ماه سه ماه حقوق بگیرد بملاوه چه فرق می کند

این چه اشکالی است؟ بنده متعجبم اگر يك فلسفه و دلیلی دارد تا خبر ممکن است هر از جور پیشنهاد هم کرد

والا یازدهم ماه بگیرند یا آخر ماه بگیرند

این تفاوت خرجی و تنزل خرجی برای دولت ندارد

در قسمتهای دیگر هم که آقای وزیر مالی توضیح دادند اگر قانع نشده اند که بنده هم اگر هرایش بکنم قانع نمی شوم اگر هم قانع شده اند که شده اند

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب دو فقره پیشنهاد داده اند کدامش قرائت شود

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده پس گرفتم و بایشتهاد آقای طهرانی موافقت میکنم

رئیس - در سابق هم در هفدهم اردیبهشت یک پیشنهادی کرده بودید

حاج میرزا عبدالوهاب - هر دو را پس می گیرم و بایشتهاد آقای طهرانی موافقت میکنم

رئیس - بایشتهاد آقای کارزونی (شرح زیر قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده دوم در جمله بین الهالاین نوشته اصلاح شود قیمت دلار در هر حال یکتومان محسوب خواهد شد

رئیس - آقای کارزونی بفرمائید

کارزونی - آقایان اخیراً میرزائی رضوی - رهنما و عظیمی همه این طور پیشنهاد کرده اند

کارزونی - بنده حق خودم را با آقای رهنما میدهم

رهنما عرض کنم در این قسمت البته باید رعایت این شود که در موقعی که حقوق مستشاران آمریکائی تصویب می شود ظوری نباشد که حقوق آقایان آمریکائی عقب بیفتد

ولی از طرف دیگر خاطر آقایان نمایندگان مسبق است که پول ایران در دنیا یکی از پولهای ثابت است

پولهای ثابت عبارتست از لیره استرلینگ فرانک مورس

تومان ایران

و علت اینکه پول ایران ثابت است برای

این است که در مقابلش نقره است و بسته است بشمش های نقره

اگر نقره تنزل پیدا کند پول ایران تنزل پیدا می کند و اگر گران شود پول گران میشود و ترقی و تنزل پول ایران مثل فرانک فرانک برسد بهفتاد و پنج فرانک

این يك مسئله

مسئله دیگر که در بین الهالاین گذاشته اند خیلی خوب است تا يك اندازه رفع معذور را می کند

ولی من نمی دانم سابقاً چه میگرداند مثلا الان دلار با این است چند است؟

هشتقران و هفده شاهی و اخیراً ترقی کرده است بهشت قران و نوزده شاهی رسیده

سابقاً هشتقران و شش شاهی بود و اینهم دویست دارد یکی این که فرانک میگرد دیگر اینکه میگرد و تفاوتی که بین این دو قیمت هست

تقریباً پنج شاهی است که بخرد و بفرود

حالا الان ما داریم دلار را بیکتومان حساب می کنیم در صورتیکه هشت قران و ده شاهی است

چون ترتیب این است که اگر يك تومان و یازده قران هم بماند اندازه داده شود

عبادت بین الهالاین اینطور است پس ما دلار را با وجود قیمت فعلی در هشت قران و نوزده شاهی است ده قران می دهیم (و بایستی هم داد) ششماه در عرض از یازده قران بالاتر منظور نگردد

یعنی این يك قران منظور میشود و برای يك وقتی که اگر از یازده قران بالا رفت دخل خزانه دولت میشود

بنابراین بنده جمع بین نظریه آقایان را کردم و آقایان آمریکائی هم هستند که بولشان چیست و سوء تفاهمی در آن قسمت پیدا نخواهد شد

پس امروز که قیمت دلار هشت قران است یکتومان میدهم فردا هم اگر از یکتومان بالاتر رفت ما همان یکتومان میدهم

بجبران این که الان دو قران زیادی می دهیم فردا هم اگر ترقی کرد بگقران کمتر میدهم

بنابراین این نظریه جامعی است و چندان ضرری هم به مستخدمین آمریکائی نخواهد خورد

مخبر - يك مطلبی را بنده برای آقایان با عرض کنم

ماده ده پیشنهاد دولت این طور است

حقوق کلیه مستشاران آمریکائی (متضمن مستشارانیکه در ایران مشغول خدمتند) باید از تصویب این قانون این وقتی در کمیسیون آمد کمیسیون این

را قبول نکرد  
یعنی این قانون شامل مستخدمین سابق آمریکائی هم بشود و گفته شد مستخدمین سابق بهمان نرخ سابق که در دوره چهارم از مجلس گذشته است هر وقت نرخ دلار هر قدر باشد از بانک دریافت کنند بنرخ روز همین مسئله یعنی نازل زیاد دلار سبب شده است که امروز این پیش بینی در این قانون شده است که نرخ بایستی برای دلار همین کنند

زیر همین مستخدمین مادر تاریخی که پاریان آمدند  
دلار در آن تاریخ یازده قران و هفده شاهی بوده است و آنها مطابق آن وقت و از روی یازده قران و هفده شاهی آمده اند

حالا نازل می کند می شود نه قران این است که یک ضرری فوق العاده بانها وارد می شود باین جهت است که در کمیسیون در دو جلسه مذاکره شد

آخرین وجهیکه آنها رضایت پیدا کردند و باز هم با اهنامی که آقای وزیر مالیه کردند و آنها هم رضایت شدند این مأخذی بود که در ایرت کمیسیون بودجه پیشنهاد شد از این کمتر حاضر نشده اند

برای اطلاع خاطر آقایان عرض شد

رئیس - باین پیشنهاد ما بعد باید رأی بگیریم چون پیشنهاد دیگری رسیده که بر این مقدم است

پیش نهاد آقای میرزائی (شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده دویمت قاطع دلار را نه قران تعیین نمایند

میرزائی - بنده کلیتاً با تعیین دلار مخالفم ولی چون در ماده اول ب قسمت دلار رأی دادند این جا ناگزیر هستیم رأی بشیم منتها یک قیمت قاطعی هم باید تشخیص داد برای این که این مستخدمی کمی آید پاریان و حقوق او میدهند و باید خرج کنند خودش هم باید بداند که چقدر باید خرج کند برای اینست که این پول را در ایران خرج نمیکند و پول آمریکا را بنده نمیانم چطور اینجا میشود خرج کرد بشا بر این باید یک قیمت قاطعی معین کرد باین جهت بنده این پیشنهاد را تقدیم کردم و نه قران را کافی میدانم

رئیس - رأی می گیریم پیش نهاد آقای میرزائی آقایان که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد

محمد هاشم میرزا - بنده توضیحی می خواهم بدهم

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا چه میفرمایند؟

محمد هاشم میرزا - بنده تصور می کنم که اینها خرج محسوب میشود و این که فلان دلار هشت قران و دهمشاهی است بعضی آقایان که پیشنهاد کرده اند یک تومان باشد اضافه خرج است چه میشود؟

محمد هاشم میرزا - اضافه خرج از طرف دولت پیش نهاد شده است

رئیس - درست تصورتان را نمی بینم محمد هاشم میرزا - عرض کردم این اضافه خرج میشود و از طرف دولت پیش نهاد اضافه خرجی نشده است

رئیس - مگر باید حتماً از طرف دولت پیش نهاد شود؟

محمد هاشم میرزا - عقیده بنده این است که اضافه خرجت و باید از طرف دولت پیش نهاد شود

رئیس - مطابق کدام ماده میفرمایند محمد هاشم میرزا - بنده اظهار نظام نسلم نکردم که میفرمایند مطابق کدام ماده عقیده را عرض کردم

رئیس - رأی می گیریم یک تومان یک نفر از نمایندگان - پیش نهاد فراتت شود

پیش نهاد آقای کازرونی مجدداً شرح سابق خوانده شد

رئیس - آقایان که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند

رئیس - قابل توجه شد

پیش نهاد آقای طهرانی دیگر مورد ندارد

آقا شیخ محمد علی طهرانی - شاید این هم قابل توجه بشود (شرح ذیل خوانده شد)

این بنده پیش نهاد منم باین طریق قیمت دلار بشرح روز خواهد بود

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - آقایان رأی دادند که قیمت دلار یک تومان باشد ولی آن طرف هم باید قبول کند و بنابر بنای که آقای مهیر فرمودند بالاخره که بعد از مذاکرات زیاد بین یک تومان و یازده قران معین شده و ما هم که میخواهیم صدمه مستخدمین آمریکائی متوجه نشود

بنا بر این هر چه نرخ روز است مطابق آن با آنها حقوق داده شود و اما راجع به پول خودمان متأسفانه غیر از آن قسمتی که آقای رهنما برای ترقی و نازل پول تفرقه ذکر کردند یک جهات دیگری هم هست که ما هر وقت میخواهیم قسط نفت را بگیریم یک مرتبه طلا نازل میکند و هر شش ماه یک دفعه این اتفاق می افتد

والا کثراً در غیر این موارد میزانش میزان واقعی است و قیمت دلار هم یک وقتی

نه قرانست یک وقت یک تومان یا دوازده قران

بنابر این هیچ اعتراضی بر اعتراضی بر آنها و ما وارد نیست و حوادث قیمت را بالا و پایین می برد اینست که بنده پیشنهاد کردم قیمت دلار بنرخ روز باشد

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای طهرانی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده برخاستند)

رئیس - قابل توجه شد

چند دقیقه تنفس داده میشود

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از بیست و پنج دقیقه تشکیل گردید)

رئیس - ماده یازدهم فراتت میشود (شرح ذیل خوانده شد)

ماده یازدهم - الف - هر يك از مستخدمین آمریکائی که مطابق مقررات این قانون استخدام می شوند بایستی تصدین نامه طبی راجع بصحت احوال مزاجی خود را ارائه بدهند

ب - هر يك از مستخدمین آمریکائی مزبور که بواسطه علت مزاج مجبور به معاودت وطن واستغای از خدمت دولت ایران گردد مغارج معاودت او متناسب مغارجی که در موقع آمدن پرداخته شده است تأدی خواهد شد

ج - هر يك از مستخدمین آمریکائی که بواسطه علت مزاج از خدمت خود غیب نماید این غیبت از خدمت خاصی که تا آن تاریخ بر طبق مقررات کنتراتی حق آن مستخدم بوده سه ماه تجاوز کند دولت می تواند با موافقت رئیس کار مالیه کنترات مشارالیه راضی و در صورتیکه در آن موقع در ایران باشد خرج معاودت او متناسب مغارجی که در موقع آمدن پرداخت شده است تأدی خواهد شد

رئیس آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - مخالفت بنده در این ماده بواسطه آن جزء سوم است که می نویسد: اگر مستخدم کسالتی پیدا کرد و نتوانست بخدمت خود ادامه دهد ۳ ماه غیبت کرد دولت میتواند کنترات او را فسخ نماید

بنده می خواهم عرض کنم که وزارت مالیه متوجه حفظ مالیه دولت و مملکت هست و بنده آن عرضی که آنوقت کردم این بود

ابتنا پیشی هم یعنی ما عدا که نمیکند من که نمیکند ما خزانة مملکت را بیاد بدهید و بنده حافظم شما نماینده دولت هستم و بنده نماینده ملت و باین اندازه که تکلیف منست ملاحظه صرفه را بکنم و عرض هم نکردم که شما

ملاحظه نمیکند

خبر بنده هم ملاحظه میکنم شما هم ملاحظه میکنید ولی اینکه هر چه در مجلس بر آنها و ما وارد نیست و حوادث قیمت را بالا و پایین می برد اینست که بنده پیشنهاد کردم قیمت دلار بنرخ روز باشد

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای طهرانی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده برخاستند)

رئیس - قابل توجه شد

چند دقیقه تنفس داده میشود

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از بیست و پنج دقیقه تشکیل گردید)

رئیس - ماده یازدهم فراتت میشود (شرح ذیل خوانده شد)

ماده یازدهم - الف - هر يك از مستخدمین آمریکائی که مطابق مقررات این قانون استخدام می شوند بایستی تصدین نامه طبی راجع بصحت احوال مزاجی خود را ارائه بدهند

ب - هر يك از مستخدمین آمریکائی مزبور که بواسطه علت مزاج مجبور به معاودت وطن واستغای از خدمت دولت ایران گردد مغارج معاودت او متناسب مغارجی که در موقع آمدن پرداخته شده است تأدی خواهد شد

ج - هر يك از مستخدمین آمریکائی که بواسطه علت مزاج از خدمت خود غیب نماید این غیبت از خدمت خاصی که تا آن تاریخ بر طبق مقررات کنتراتی حق آن مستخدم بوده سه ماه تجاوز کند دولت می تواند با موافقت رئیس کار مالیه کنترات مشارالیه راضی و در صورتیکه در آن موقع در ایران باشد خرج معاودت او متناسب مغارجی که در موقع آمدن پرداخت شده است تأدی خواهد شد

رئیس آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - مخالفت بنده در این ماده بواسطه آن جزء سوم است که می نویسد: اگر مستخدم کسالتی پیدا کرد و نتوانست بخدمت خود ادامه دهد ۳ ماه غیبت کرد دولت میتواند کنترات او را فسخ نماید

بنده می خواهم عرض کنم که وزارت مالیه متوجه حفظ مالیه دولت و مملکت هست و بنده آن عرضی که آنوقت کردم این بود

ابتنا پیشی هم یعنی ما عدا که نمیکند من که نمیکند ما خزانة مملکت را بیاد بدهید و بنده حافظم شما نماینده دولت هستم و بنده نماینده ملت و باین اندازه که تکلیف منست ملاحظه صرفه را بکنم و عرض هم نکردم که شما

دولت را طوری تصور میکنند که وقتی دید مرض يك مستخدم امتداد پیدا میکند و کار از ساخته نیست او را جواب میکنند رأی بدهید ولی این ماده ماده معقولی است جمعی از نمایندگان - مذاکرات کاابست

رئیس آقای دکتر آقابان پیشنهاد کرده اند قسمت اول و دوم حذف شود آقای دکتر آقابان

دکتر آقابان - قسمت اول این ماده اینطور نوشته شده است: هر يك از مستخدمین آمریکائی که مطابق مقررات این قانون استخدام میشوند بایستی تصدین نامه طبی راجع بصحت احوال مزاجی خود ارائه بدهند

وقتی فرار شد ما انتخاب این آقایان را بر رئیس کار مالیه و اگذار کنیم این تذکره در اینجا ضرورتی ندارد

اگر فراد برین بود که تصدین نامه این آدم ممکنست در بین راه مرض بشود پس ما وقتی قانون می نویسیم بایستی يك شرطی که اصلا اهمیت ندارد در آن ذکر کنیم

مخبر - توضیحی که آقا دادند راجع ب قسمت اول بود و تصور میکنم قسمت اول خیلی بنفع ما باشد و برای شرطی که ما در قسمت بنده میکنیم یعنی شرط می کنیم اگر مرض باشد او را روانه نمایند این شرط خیلی لازمست و باید این شرط باشد که وقتی استخدام می شود تصدین نامه که دلیل بر صحت احوال مزاجی خودش است ارائه بدهد

بنابر این قسمت اول باشد یا نباشد قسمت ثانی در جای خودش هست و تصور میکنم از طرف مستخدمین آمریکائی يك طریق با تراکت و انصافی در اینجا رعایت شده است که قید کرده اند مستخدمین را که از اینجا برای خدمت پاریان ماورند باید رعایت حفظالصحه آنها بشود و هر چه تصور می کنم که از بنده مطرح این کنترات باید يك قدری راضی و بلکه ممنون هم بود

رئیس - ماده به سه قسمت می شود بدو رأی می گیریم ب قسمت الف

آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد در قسمت دوم آقای رضوی پیشنهاد کرده اند کنترات (باین ترتیب خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم قسمت (ب) این طور اصلاح شود

در آخر سطر اول از قسمت (ب) اضافه شود: باینصورت انجمن حفظالصحه که در ایران قابل معالجه نیست

اشخاص مرض را بنیاب آورد و اشخاص مرضی خودشان هم نماینده پاریان و طبیعی است يك نفری که می رود برای اینکه يك عده مستخدم پاریان بیارند اشخاص صحیح - المزاجی را خواهد آورد که در اینجا بجا نمانند از عهده کار کردن بر آید و اگر يك اشخاص مرضی باشند که نتوانند از عهده خدمت بر آید

آنها را استخدام نخواهد کرد خود آنها هم حاضر نمی شوند که از آمریکا بایران بیایند

بنا برین این قسمت اول را با اینکه ظاهرش مرغوبست زائد می دانم و اگر آن را قبول کردیم آنوقت قسمت (ب) هم بجا بماند و تصدین نامه طبی راجع بصحت احوال مزاجی خود ارائه بدهند

وقتی فرار شد ما انتخاب این آقایان را بر رئیس کار مالیه و اگذار کنیم این تذکره در اینجا ضرورتی ندارد

اگر فراد برین بود که تصدین نامه این آدم ممکنست در بین راه مرض بشود پس ما وقتی قانون می نویسیم بایستی يك شرطی که اصلا اهمیت ندارد در آن ذکر کنیم

مخبر - توضیحی که آقا دادند راجع ب قسمت اول بود و تصور میکنم قسمت اول خیلی بنفع ما باشد و برای شرطی که ما در قسمت بنده میکنیم یعنی شرط می کنیم اگر مرض باشد او را روانه نمایند این شرط خیلی لازمست و باید این شرط باشد که وقتی استخدام می شود تصدین نامه که دلیل بر صحت احوال مزاجی خودش است ارائه بدهد

بنابر این قسمت اول باشد یا نباشد قسمت ثانی در جای خودش هست و تصور میکنم از طرف مستخدمین آمریکائی يك طریق با تراکت و انصافی در اینجا رعایت شده است که قید کرده اند مستخدمین را که از اینجا برای خدمت پاریان ماورند باید رعایت حفظالصحه آنها بشود و هر چه تصور می کنم که از بنده مطرح این کنترات باید يك قدری راضی و بلکه ممنون هم بود

رئیس - ماده به سه قسمت می شود بدو رأی می گیریم ب قسمت الف

آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد در قسمت دوم آقای رضوی پیشنهاد کرده اند کنترات (باین ترتیب خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم قسمت (ب) این طور اصلاح شود

در آخر سطر اول از قسمت (ب) اضافه شود: باینصورت انجمن حفظالصحه که در ایران قابل معالجه نیست

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده این پیشنهاد را از این نقطه نظر تقدیم کردم که بعضی اینک فی الجمله کسالتی پیدا کرد فوراً تکوید مغارج معاودت آنها بدهید می خواهم بروم و کارهایم معطل بماند ولی اگر کسالتی پیدا کرد و اطبای حفظالصحه تصدیق کردند که در ایران قابل معالجه نیست

ماراضی بمرک آنها نیستیم بروند در آمریکا خودشانرا معالجه کنند اما اگر در ایران قابل معالجه باشند و بغواهند بآمریکا بروند بنده مخالفم که حقوق صمامه و خرج معاودت بآنها داده شود

مخبر - اگر انجمن حفظالصحه تصدیق کرد که در ایران قابل معالجه است ولی دو سال و نیم طول میکشد تا خوب شود آنوقت باید تا آخر مدت باو حقوق داد تا خوب بشود

رئیس - آقای کازرونی این پیشنهاد چنانچه در بر رسیده است نمی شود رأی گرفت برای اینکه ب قسمت اول رأی گرفتیم و این پیشنهاد راجع ب تمام ماده است رأی می گیریم پیش نهاد آقای رضوی آقایانی که قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(عده برخاستند)

قابل توجه نشد رأی می گیریم ب قسمت (ب) آقایانی که موافقت قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شده راجع ب قسمت (جیم) چند نفره پیشنهاد رسیده است فراتت می شود

(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد می کنم صدمه شش در سطر پنج این نوع اصلاح شود دولت کنترات او را فسخ می نماید

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - چون مطابق فرمایشی که آقای وزیر مالیه فرمودند مطلب همانست و چون مطلب همانست باین جهت بنده خواستم صریحتر بطلب باشند باینجهت پیشنهاد کردم اگر بعد از سه ماه مستخدم نتوانست سر خدمت خودش بیاید دولت کنترات او را فسخ میکند و دیگر کلمه نمیتواند نمی خواهد

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(معدودی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای اخگر فراتت می شود

(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم در قسمت (جیم) از «در صورتیکه» تا آخر حذف شود

رئیس - آقای اخگر (اجازه)

اخگر - بنده با این مواد کاملاً موافقم لکن در این ماده این قسمت که می نویسد در صورتیکه در آن موقع در ایران باشد خرج معاودت او متناسب مغارجی که در موقع آمدن پرداخت شده است تأدی خواهد شد باینصورت انجمن حفظالصحه که در ایران قابل معالجه نیست

سه ماهه حاضر نشد دیگر بایستی مغارج معاودت برای او داد بآمریکا ببرند و این قسمت هم دو صورت دارد

یکی اینکه مرخصی گرفته و بآمریکا رفته است بعنوان اینکه در این قانون خرج معاودت برایش معین شده و ما برای او می فرستیم

با اینکه سه ماه دیگر نمی آید آمده است پاریان و مدتی هم از مرخصی او گذشته است ما آنوقت هم باید خرج معاودت او را بدهیم

ولی وقتیکه این قید نشد آنوقت این مستخدمیکه می رود میدانند باینستما بدهد و با بایده بیاید

مخبر - این قسمتهایکه بنفع ماست پیشنهاد می فرمایند حذف شود

ما در این جا می گوئیم در صورتی که در ایران باشد - یعنی اگر يك مستخدمی مرضی شد و سه ماه هم اضافه بر مرخصی او گذشت آنوقت دولت باید مغارج معاودت او را بدهد و برود

یعنی در صورتیکه در ایران باشد و بعد از سه ماه باز حالتش طوری باشد که نتواند مشغول خدمت شود آنوقت خرج معاودت ما می دهیم و این بنفع ماست

رئیس - اینهم راجع بجزیه است میماند برای بنده

پیش نهاد آقای سلطانی (شرح آتی خوانده شد)

بنده پیش نهاد میکنم در قسمت «جیم» لفظ با موافقت رئیس کمال مالیه حذف شود

آقا سید محمد سلطانی - با رد شدن پیش نهاد آقای آقا سید یعقوب این پیشنهاد دیگر موردی ندارد

رئیس - پیش نهاد آقای طهرانی فراتت می شود

(باین ترتیب خوانده شد)

این بنده پیش نهادی نماینده موافقت تبدیل بشاورد شود

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - بنده گمان میکنم که در کنترات خود دکتر

میلیو هم باشد که ایشان طرف مشاوره هستند نه طرف موافقت و در این جا اختیارات از دولت سلب می شود اینست که بنده کلمه مشاوره را پیش نهاد کردم برای اینکه رئیس کل مایه باید طرف مشورت باشد و در این جا می نویسد با موافقت رئیس کل مایه.

یعنی اگر رئیس کل مایه موافقت نکند دولت نمی تواند قدر آن مستخدم را بخواهد.

بنابراین بنده مستخدم که با مشاوره رئیس کل مایه باشد نه با موافقت رئیس آقای بیات (اجازه)

**مرخصی قلیخان بیات** - در کارهای وزارت مایه نظریه رئیس کل مایه مدخلیت دارد.

**مخصوصاً در استخدام و عزل و نصب** - در کتورات رئیس مایه هم این مسأله قید شده است و البته ایشان بایستی در این قضیه نظر موافقت داشته باشد و در حال در مشاوره هم بایاید موافقت کند یا غیر موافقت و در هر صورت نتیجه مشاوره باید معلوم باشد و الا اگر موافقت نکند چه باید بشود و تکلیف دولت چیست.

پس بقیه بنده باید لفظ موافقت در اینجا باشد.

**رئیس** - رأی می گیریم پیش نهاد آقای آقایی که قابل توجه می دانند قیام نمایند.

(عده ای برخاستند)

**رئیس** - قابل توجه شد، پیشنهاد آقای کازرونی.

(پایین مضمون خوانده شد)

بنده پیش نهاد میکنم که در ماده یازده در قسمت «جیم» در شرط دوم بعد از خدمت خود کلمه «با اجازه» اضافه شود.

**رئیس** - آقای کازرونی (اجازه)

**کازرونی** - بنده در این عبارت یک ابهام دارد این است که بنده پیش نهاد کردم کلمه اجازه اضافه شود و نوشته خود را می نویسد.

هریک از مستخدمین امریکائی که بواسطه علت مزاج از خدمت خود غیبت نمایند این اجازه باشد که این ترتیب است.

پس این غیبت بی اجازه است و هر وقت از حد مرخصی که تا آنوقت حق داشته است سه ماه تجاوز نماید آنوقت دولت می تواند کتورات او را فسخ نماید.

**رئیس** - آقایانیکه پیشنهاد آقای کازرونی را قابل توجه می دانند قیام فرمایند.

(عده ای برخاستند)

**رئیس** - قابل توجه شد.

رأی می گیریم بقسمت دوم از «در آقاییان موافقت قیام فرمایند» (اکثر برخاستند)

**رئیس** - تصویب شد.

رأی می گیریم بجمع هردو قسمت آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد.

پیشنهاد آقای میرزا شهاب قرائت می شود.

(اینطور خوانده شد)

بنده پیش نهاد میکنم که در آخر ماده یازده علاوه شود.

ولی مدتی را که زائد بر مدت مرخصی که حق استفاده از آن داشته غیبت کرده است حق اخذ حقوق ندارد.

**رئیس** - آقای آقا میرزا شهاب (اجازه)

**آقا میرزا شهاب** - در قسمت «جیم» نوشته شده است:

و این غیبت از حد مرخصی که تا آن تاریخ بر طبق مقررات کتوراتی حق آن مستخدم بوده سه ماه تجاوز نکند دولت می تواند کتورات او را فسخ کند.

حالا از سه ماه بیشتر مثلا پنج ماه خدمت خود با اجازه غیبت نماید و اگر بی اجازه باشد همیشه خدمت آنها یک حالت تازولی

مدت را هم دولت باید بدهد یا نه؟ بنده عرض میکنم وقتیکه زائد بر مدتیکه حق مرخصی داشته با اجازه داشته است اگر غیبت نماید چه سه ماه چه پنج ماه باید حق نداشته باشد حقوق بگیرد.

این است که بنده این پیشنهاد را کردم که در آخر ماده علاوه شود و تکلیف معلوم شود والا بموجب این قسمت همچو معلوم می شود که غیبت او هر قدر شد و دولت کتورات او را فسخ نکند حقوق آن مدت باید به او داده شود و بنده معتقدم که نباید از برای آن ۳ ماه حقوق باو داده شود.

**وزیر مایه** - بنده قبلا توضیح دادم که مقصود از این ماده چیست در این جا نوشته شده است بواسطه علت مزاج و البته اگر بدون علت مزاج غیبت کرده هیچ حق اخذ حقوق ندارد.

و خرج را هم نباید بدهند.

اما اگر غیبت او بواسطه علت مزاج باشد تا وقتی که حق مرخصی دارد که حقش است و اگر پس از انقضای حق مرخصی باز هم بواسطه علت مزاج تنواست است سر خدمت بیاید و ۳ ماه گذشت آن وقت اگر دولت دید بقیه ای او در سر خدمت ممکن است اسباب ضرر دولت بشود حق دارد او را مرخص کند یعنی کتورات او را فسخ کند اما انصاف است که ...

**کازرونی** - استغفر الله وزیر مایه یک همچو آدمی که در خدمت دولت ایران هست و خدمت میکند و بواسطه مرض بیکار شده از حقتش محروم شود.

ملاحظه کنید اگر مستخدم ایرانی باشد و مرض باشد که نتواند کار کند چه باید کرد؟

از یک طرف مریض شده و از طرف دیگر از خدمتش بیکار شده و نمی تواند بکتوراتش مداومت بدهد و دولت هم او را جواب می دهد آن وقت حقوق او را هم بدهند؟

بنظر بنده این انصاف نیست.

ماده ۱۰ و ماده بیشتر نیست.

**رئیس** - آقایانیکه پیشنهاد آقای آقا میرزا شهاب را قابل توجه می دانند قیام فرمایند.

هم میباید ماده دوازدهم اغلب قیام نمودند

**رئیس** - قابل توجه شد.

این ماده هم میباید که در دوازدهم اینطور خوانده شد

ماده دوازدهم - سایر مواد کتورات مستخدمین امریکائی که بر طبق این قانون استخدام می شوند با مقررات قانون هورج ۲۲ مقرب ۱۳۰۱ راجع با استخدام اتباع خارجه موافقت خواهد داشت.

**رئیس** - آقای آقا سید یعقوب

**آقا سید یعقوب** - عرضی ندارم

**رئیس** - آقای اخگر (اجازه)

**اخگر** - بنده سؤالی داشتم

**رئیس** - اگر مخالف هستید بفرمایند

**اخگر** - مخالفم - در قانون بیست و سوم مقرب در ماده دوم راجع بشرایط کتورات مستخدمین خارجی می نویسد:

پس از تصویب مقررات مزبور در ماده اول سایر شرایط را دولت تعیین و کتورات را امضاء نماید این سایر شرایط را که ممکن است بر این کتورات علاوه شود آقای مخیر توضیح بدهند که مقصود چیست؟ زیرا تمام شرایط که این جا نوشته شده است.

**مخیر** - این مطلب یک چیز مضری نیست ماده دوازده نوشته ایم سایر مواد کتورات مستخدمین امریکائی مطابق قانون بیست و سوم مقرب خواهد بود سایر شرایط یک جزئیاتی است که قابل نیست و آمدن در مجلس گذشتن چندان اهمیت ندارد و این جزئیات را ممکن است در یکی از کتورات های خارجه ملاحظه بفرمایند و چیست در هر حال یک چیز اساسی و قابل نیست.

**رئیس** - آقای طباطبائی دیا (اجازه)

**دیا** - عرضی ندارم

**رئیس** - رأی می گیریم ماده ۱۲ آقایان موافقت قیام فرمایند.

عده کثیری قیام نمودند

**رئیس** - تصویب شد ماده ۱۳ بشرح ذیل قرائت شد

ماده ۱۳ - هر گاه یکی از مستخدمین امریکائی بدون دلیل موجهی از خدمت خود استعفا بدهد یا در انجام وظایف خود کوتاهی یا مسامحه ورزد دولت بر طبق پیشنهاد رئیس کل مایه که طرف اطمینان مجلس هستند وقتی دادند یک مستخدمی در انجام وظایف خود تصور یا تقصیر کرد آن وقت می توانند بکتورات او خاتمه بدهند و خواهند داد.

راجع بایام مرخصی هم عرض بفرمایند یک شخص دو سال خدمت کرد و بعد از ۲ سال دیدند در خدمتش اینطور که لازم است مراقبت ندارد وقتی کتوراتش خاتمه دادند نسبت بدو سال که خدمت کرده دو ماه مرخصی را حساب میکنند اگر یک سال خدمت کرده است ۱ ماه و بالاخره مرخصی زیادی حساب نمیشود.

**رئیس** - آقای کازرونی (اجازه)

**کازرونی** - بنده گمان میکنم که این ماده رعایت طرفین قضیه نشده در این جامی گوید اگر یک مستخدمی بگوید خود استعفا داد بدون اینکه عذر موجه داشته باشد.

مثلا مستخدم را مخارج دادیم و از امریکا آوردیم اینجا بعد نشان نتوانست که نمائند یک کردنی هم کردند و بفرودی خود استعفا دادند استعفا که دادند بایستی مطابق کتورات مخارج برگشت آنها را

که مسامحه میکنند و البته کتوراتش منفسخ است نه اینکه دولت می تواند منفسخ کند باید توضیح شود که یک چنین وقتی اگر خدای نخواسته یک همچو کسی پیدا شد در وظایف خودش مسامحه کرد منفسخ است این عرض اول عرض دوم این است که در این جا می نویسد در صورت قطع حقوق ایامی که مشغول خدمت بوده و ایام مرخصی قانونی درباره او برداشته می شود.

ایامی را که مشغول خدمت بوده است بنده موافقم.

امادر ایام مرخصی فرض بفرمایند یک مستخدمی را ۳ سال کتورات کرد در سال اول بوظیفه خود عمل کرد ولی در سال دوم مسامحه در اجرای وظائف خودش نمود در اینجا باید حقوق ۳ ماهه مرخصی هم باو بدهیم؟

این را بنده مخالفم چرا؟ برای اینکه این یک تعمیم فوق العاده است و در این صورت نباید اینقدر تزلزل او موافقت کرد و البته همانطور که در این مواد با اینها بطور نرمی کنار آمدیم در اینجا باید بطور شدت این مسئله را پیش بینی کنیم زیرا قانونا هیچ مستخدمی ابتدا حق ندارد همان حقی را که داشته است باو می دهند دیگر اضافه چرا و البته در اینجا کتورات هم منفسخ است.

**مخیر** - بنده در قسمت اول گمان میکنم کلمه «باید» در اینجا هیچ ضرورت ندارد و می تواند کافی است کمی می تواند دولت هر دولتی هم که باشد طرف اعتماد مجلس شورای ملی است و البته دولت وزیر مایه و رئیس کل مایه که طرف اطمینان مجلس هستند وقتی دادند یک مستخدمی در انجام وظایف خود تصور یا تقصیر کرد آن وقت می توانند بکتورات او خاتمه بدهند و خواهند داد.

راجع بایام مرخصی هم عرض بفرمایند یک شخص دو سال خدمت کرد و بعد از ۲ سال دیدند در خدمتش اینطور که لازم است مراقبت ندارد وقتی کتوراتش خاتمه دادند نسبت بدو سال که خدمت کرده دو ماه مرخصی را حساب میکنند اگر یک سال خدمت کرده است ۱ ماه و بالاخره مرخصی زیادی حساب نمیشود.

**رئیس** - آقای کازرونی (اجازه)

**کازرونی** - بنده گمان میکنم که این ماده رعایت طرفین قضیه نشده در این جامی گوید اگر یک مستخدمی بگوید خود استعفا داد بدون اینکه عذر موجه داشته باشد.

مثلا مستخدم را مخارج دادیم و از امریکا آوردیم اینجا بعد نشان نتوانست که نمائند یک کردنی هم کردند و بفرودی خود استعفا دادند استعفا که دادند بایستی مطابق کتورات مخارج برگشت آنها را

هم بدهیم و اگر چنانچه یک چند وقتی ماندند بعد خودشان دلشان خواست بایک جهتی از جهات باعث شد یا کسی محرک شد که بالاخره دلش نتوانست بماند و دلش سر دور رفت.

در این صورت هم حقوق ایام مرخصی را بدهیم و هم مخارج رفتنش را بدهیم یعنی چه؟

از آن طرف ملاحظه بفرمایند در صورتیکه ۱ نفر مستخدم بموجب سندی که از ما می گیرد با ما می دهد همان طوری که ما اگر خواسته باشیم قبل از انقضای مدت کتورات او را فسخ کنیم حق دارد یک چیزی از ما بگیرد و او هم ملزم هستیم که باو بدهیم او هم باید در مقابل ملزم باشد در ورزده که با ما می دهد که مدت خدمتش را در ازاد حقی که باو می دهیم انجام بدهد و بالاخره این حق را ندارد که هر وقت دلش خواست با اختیار خودش استعفا بدهد و ما یک مبلغی هم بول باو بدهیم بقیه بنده این فلسفه و دلیلی ندارد باید حکومت عادلانه و بیاربابیت حق طرفین باشد.

**جمعی از نمایندگان** - مذاکرات کافی است.

**رئیس** - پیشنهاد هائزات می شود.

(پایین ترتیب خوانده شد)

**پیشنهاد آقای سلطانی**

پیشنهاد میکنم که در ماده ۱۳ در سطر ۳ عبارت بر طبق پیشنهاد رئیس کل مایه حذف شود.

**رئیس** - بفرمایند

**سلطانی** - بنده در آن ماده هم پیش نهاد کرده بودم در این جا عرض میکنم در قانو نگذاری ملاحظه اشخاص نیست می فرمایند سوء ظن نباید داشت البته سوء ظن نیست و رئیس مایه طرف اطمینان هست ولی اگر چنانچه تشخیص دادند که این مستخدم قابل نیست و نمی تواند خدمت را ادامه بدهد البته دولت باید منفسخ بکنند حالا شاید موافقت با رئیس کل مایه حاصل نشد و حال آرزوی رئیس مایه غیر از حال امروز بود و یک سال دیگری پیدا شد که موافقت نشده در این صورت باید او حقوقش را بگیرد.

بنابراین بنده پیشنهاد کردم که این لفظ حذف شود و بقیه در دولت تشخیص داد که نمی تواند خدمت خود را ادامه بدهد کتوراتش را فسخ کند

**مخیر** - بنده مناسب نمی دانم اصلا این مذاکرات بشود اول این مستخدمین امریکائی مطابق یک ماده که گذاشت مسئول رئیس کل مایه هستند رئیس کل مایه مسئول وزیر مایه و وزیر هم مسئول مجلس شورای ملی است هر وقت وزیر مایه یا رئیس کل مایه برخلاف یکی مستخدمی بدون دلیل موجهی از خدمت خود استعفا بدهد یا در انجام وظایف خود خود

رئیس مایه و آن وزیر از خدمت منفسخ می شود.

**رئیس** - آقایانیکه پیشنهاد آقای سلطانی را قابل توجه می دانند قیام فرمایند.

(عده قبلی قیام نمودند)

**رئیس** - قابل توجه شد

**پیشنهاد دیگر** - (این مضمون خوانده شد)

**پیشنهاد آقای تجدد**

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۱۳ پایین طریق اصلاح شود:

هر گاه یکی از مستخدمین در انجام وظایف خود مسامحه یا مسامحه ورزد کتورات ملغی خواهد بود در این صورت و در صورتیکه بدون دلیل موجهی از خدمت خود استعفا بدهد فقط حقوق ایامیکه مشغول خدمت بوده و ایام مرخصی قانونی درباره او برداشته خواهد شد.

**رئیس** بفرمایند

**تجدد** - اول بقیه بنده ماده ۱۳ درست تنظیم نشده اول ماده می نویسد:

هر گاه یکی از مستخدمین امریکائی بدون دلیل موجهی از خدمت خود استعفا دهد یا در انجام خود کوتاهی یا مسامحه ورزد دولت بر طبق پیشنهاد رئیس کل مایه که طرف اطمینان مجلس هستند وقتی دادند یک مستخدمی در انجام وظایف خود تصور یا تقصیر کرد آن وقت می توانند بکتورات او خاتمه بدهند و خواهند داد.

پس بقیه بنده باید لفظ موافقت در اینجا باشد.

**رئیس** - رأی می گیریم پیش نهاد آقای آقایی که قابل توجه می دانند قیام نمایند.

(عده ای برخاستند)

**رئیس** - قابل توجه شد.

رأی می گیریم بقسمت دوم از «در آقاییان موافقت قیام فرمایند» (اکثر برخاستند)

**رئیس** - تصویب شد.

رأی می گیریم بجمع هردو قسمت آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

**رئیس** - تصویب شد.

رأی می گیریم بجمع هردو قسمت آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد.

پیشنهاد آقای میرزا شهاب قرائت می شود.

(اینطور خوانده شد)

بنده پیش نهاد میکنم که در آخر ماده یازده علاوه شود.

ولی مدتی را که زائد بر مدت مرخصی که حق استفاده از آن داشته غیبت کرده است حق اخذ حقوق ندارد.

**رئیس** - آقای آقا میرزا شهاب (اجازه)

**آقا میرزا شهاب** - در قسمت «جیم» نوشته شده است:

و این غیبت از حد مرخصی که تا آن تاریخ بر طبق مقررات کتوراتی حق آن مستخدم بوده سه ماه تجاوز نکند دولت می تواند کتورات او را فسخ کند.

حالا از سه ماه بیشتر مثلا پنج ماه خدمت خود با اجازه غیبت نماید و اگر بی اجازه باشد همیشه خدمت آنها یک حالت تازولی

داری نماید.

مشخص این کیست؟

مشخص اینکه مجلس شورای ملی نیست.

مشخص این رئیس کل مایه است پس باید بخواهد او باشد و غیر از این هم هلاچی ندارد.

**رئیس** - آقایانیکه پیشنهاد آقای تجدد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند.

عده قبلی قیام نمودند

**رئیس** - قابل توجه شد.

**پیشنهاد کثر آقاییان** (اینطور قرائت شد)

پیشنهاد میکنم ماده سیزده بشرح ذیل تجزیه شود:

الف - هر گاه یکی از مستخدمین امریکائی بدون دلیل موجهی از خدمت خود استعفا بدهد فقط حقوق مدت خدمت خود حق خواهد داشت.

ب - هر گاه یکی از مستخدمین امریکائی در انجام وظایف خود کوتاهی یا مسامحه ورزد دولت بر طبق پیشنهاد رئیس کل مایه می تواند کتورات او را ملغی نموده و در این صورت فقط حقوق ایامیکه مشغول خدمت بوده و ایام مرخصی قانونی درباره او برداشته میشود.

**رئیس** - آقای دکتر آقاییان

**دکتر آقاییان** - آقای تجدد بکثرت هراض بنده را فرمودند این جا دو صورت پیش بینی شده است یکی صورت استعفا مستخدم یکی هم صورت آقای کتورات.

بوجوب یک دلیلی معین اگر مستخدمی استعفا کرد که دیگر کتوراتی باقی نیست که ملغی شود این ابتدا منطبق ندارد.

و بنابراین این قسمت باید تجزیه شود.

اما آمدیم در قسمت دوم در ماده ۱۴ ملاحظه خواهد فرمود که قرار بر آن شد که اگر دولت کتورات را خواست فسخ بکند و میل نداشته باشد او را نگاه دارد و کتورات او را ملغی کند باید بخرج راهش را بدهد و حقوق مرخصی او را هم باو بدهد این معلوم است که حق اوست و این بمنزله یک جریمه ایست که ما می دانیم چون برخلاف کتورات رفتار میکنیم.

اما اگر بنا شد این حق فسخ را طرف داشته باشد طرف می آید این جا در صورتیکه بنا قول داده است ۵ سال این همانند در آخر سال اول استعفا می دهد بقیه بنده از هم یک جریمه بدهد بقیه بنده همان حقوق یکماه مرخصی که باو تعلق می گیرد بایستی بعنوان جریمه باو نداد.

برای اینکه اسباب زحمت ما را فراهم کرده است.

**رئیس** - آقای تدین (اجازه)



بعقیده بنده نقض غرض است زیرا چنانچه درابتداء برای کثرت آنها مجلس باید بتصویب مجلس شورای ملی باشد اینست که بنده پیشنهاد کردم دولت یا پیشنهاد رئیس کل مایه و تصویب مجلس شورای ملی کثرت را فسخ کند

**وزیر مالیه** - آقا توجه نمی فرمایند که این مسئله از وظایف قوه مجریه است و دولت خودش باید تشخیص بدهد که وجود مأمور لازم است یا نیست اگر ما اجازه کثرت را از مجلس شورای ملی بگیریم برای اینست که بطور کلی کثرت نمودن مستخدمین خارجی باید با اجازه مجلس شورای ملی باشد نه اینکه بیاییم بگوئیم فلان شخص را شما برای فلان کار صالح میدانید یا خیر

اینطور نیست ما بطور کلی از مجلس اجازه میگیریم که چند نفر مستخدم امریکائی میبراهیم استخدام کنیم اجازه دادند استخدام می کنیم اجازه ندادند استخدام نمی کنیم

ولی پس از آنکه مجلس اجازه داد و استخدام نمودیم آنوقت اگر یک موانعی پیش آمد که هیئت دولت لازم دانست فلان مستخدم را جواب بدهد این بسته تشخیص دولت است و دیگر لازم نیست از مجلس اجازه بخواهد و مجلس تصویب کند

**رئیس - آقایان** که این پیشنهاد قابل توجه میدانند قیام فرمایند

( چند نفری برخاستند )

**رئیس** - قابل توجه نشد پیشنهاد آقایان

( اینطور خوانده شد )

بنده پیشنهاد می کنم در ماده چهاردهم مد از کلمه کثرتها اضافه شود مستخدمین مذکور در این قانون

**شیر وانی** - چون در اینجا مطلق نوشته شده و اسم برده نشده است در صورتی که در سایر مواد مخصوصاً بنده شده است

در ماده پانزدهم نوشته شده مستخدمین امریکائی که بموجب این قانون استخدام شده اند

و همینطور در سایر مواد هم اسم برده شده ولی در اینجا بطور مطلق نوشته شده لذا بنده پیشنهاد کردم که در اینجا قید شود

که معلوم شود مقصود مستخدمین امریکائی جدید هستند

**مخبر** - این قانون هم مخصوص مستخدمین جدید امریکائی است که تازه استخدام میشوند و مقصود ما هم همین است منمذاک این پیشنهاد را قبول میکنم برای اینکه مقصود آقا تأمین شود

**رئیس** - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

( بشرح ذیل قرائت شد )

بنده پیشنهاد میکنم بعد از کلمه رئیس کل مایه اضافه شود : با تصویب هیئت وزراء

**رئیس** - آقای آقا سید یعقوب ( اجازه )

**آقا سید یعقوب** - مقصود بنده این است که این دائره اوسع را که بقدر اثره متعلقه البروج است قدری محدود کنم تا حق مداخله هم از برای دولت باشد و ضرر ندارد که با تصویب هیئت دولت باشد

**مخبر** - اینجا گفته میشود دولت بر حسب پیشنهاد رئیس مایه دولت چیست ؟

این ماده را باید قید کند که دولت مجاز است بپردازد شش ماه حقوق و معارج معاودت کثرت این مستخدمین را فسخ نماید و این اجازه است که بدولت داده میشود

این ماده را باید قید کند که دولت سابق گذرانده ایم و هیچوقت اینطور نبود که اگر بین مخرج و مستاجر اختلافی حاصل شد رجوع بحکایت کنند

این موادی است که خود رئیس مایه ترتیب داده و او در واقع مسئول این کثرت است حتی وقتی که ما خواستیم در بعضی مواد اینها را مسئول وزراء قرار بدهیم جواب دادند مخالف آن موادی است که در دوره چهارم از مجلس گذشته است - با این ترتیب و با اینکه خود رئیس مایه این اشخاص را معین و کثرت میکند معذک دیگر در موقع بروز اختلاف رجوع بحکایت صورت ندارد و بنده هیچ فاسه برای این ترتیبی که حکم قرار بدهم باسرا حکم معین کنند نمی بینم

ما اگر بنا شود از حالا این باب را مفتوح کنیم آنوقت همیشه دچار زحمت خواهیم بود و هر روز دولت با مستخدمین باید دست بگیران شود

دولت می گوید در فلان موضوع تقصیر با استخدام است مستخدم میگردد با دولت چیز دیگری بجای آن بگذارد

**مخبر** - بنده خیلی مسرور شدم که در آخر اعتراضاتی که فرمودند اشاره کردند که ممکن است یک وقتی اختلافی پیش بیاید

خوب اگر فرضاً یک موقعی یک اختلافی پیش آمد آنرا چگونه رفع کنیم؟ این ماده هم برای همین مقصود است و اینطور قرارداد است که اگر فرضاً یک وقتی اختلافی حاصل شد رجوع بحکایت بشود

حکایت چیست؟ این است که بکنفرانس وزیر مایه بزرگ نرهم آن مستخدم معین میکنند قضیه را حل می کنند

مخصوصاً در این قسمت در کمیسیون خیلی مقرر کرد شد و این قسمت اخیر یک کثرت و اجازه ای است که وزارت مایه با یک عدم مستخدمینی می بندد و همه نسامه نیست

پس کثرت کردن یک عدم مستخدمین و آوردن آنها از امریکا با همان شرائط و ترتیبی که خود رئیس کل مایه انشاء

تواند اینکار را بکنند والا اگر این عبارت در این ماده قید شود

سایر مواد کم و زیاد شود عیبی ندارد

**مخبر** - اگر این قانون بدست مستخدمینی که استخدام میشوند داده می شد این ایراد وارد بود

ولی اینطور نیست و این قانون بدست دولت داده میشود و بدست هر یک از آن مستخدمینی که استخدام میشوند یک کثرت نامه علیهم داده میشود با اینجهت میگوئیم دولت در کثرت نامه که بدست مستخدمین میدهد

این ماده را باید قید کند که دولت مجاز است بپردازد شش ماه حقوق و معارج معاودت کثرت این مستخدمین را فسخ نماید و این اجازه است که بدولت داده میشود

این موادی است که خود رئیس مایه ترتیب داده و او در واقع مسئول این کثرت است حتی وقتی که ما خواستیم در بعضی مواد اینها را مسئول وزراء قرار بدهیم جواب دادند مخالف آن موادی است که در دوره چهارم از مجلس گذشته است - با این ترتیب و با اینکه خود رئیس مایه این اشخاص را معین و کثرت میکند معذک دیگر در موقع بروز اختلاف رجوع بحکایت صورت ندارد و بنده هیچ فاسه برای این ترتیبی که حکم قرار بدهم باسرا حکم معین کنند نمی بینم

ما اگر بنا شود از حالا این باب را مفتوح کنیم آنوقت همیشه دچار زحمت خواهیم بود و هر روز دولت با مستخدمین باید دست بگیران شود

دولت می گوید در فلان موضوع تقصیر با استخدام است مستخدم میگردد با دولت چیز دیگری بجای آن بگذارد

**مخبر** - بنده خیلی مسرور شدم که در آخر اعتراضاتی که فرمودند اشاره کردند که ممکن است یک وقتی اختلافی پیش بیاید

خوب اگر فرضاً یک موقعی یک اختلافی پیش آمد آنرا چگونه رفع کنیم؟ این ماده هم برای همین مقصود است و اینطور قرارداد است که اگر فرضاً یک وقتی اختلافی حاصل شد رجوع بحکایت بشود

حکایت چیست؟ این است که بکنفرانس وزیر مایه بزرگ نرهم آن مستخدم معین میکنند قضیه را حل می کنند

مخصوصاً در این قسمت در کمیسیون خیلی مقرر کرد شد و این قسمت اخیر یک کثرت و اجازه ای است که وزارت مایه با یک عدم مستخدمینی می بندد و همه نسامه نیست

پس کثرت کردن یک عدم مستخدمین و آوردن آنها از امریکا با همان شرائط و ترتیبی که خود رئیس کل مایه انشاء

وزیر مالیه معین می کند منتهی با موافقت رئیس کل مایه خواهد بود

بهر حال اگر در کثرتهای سابق چنین ماده بوده تجربیات حاصله از گذشته بنا موخته است که باید یک چنین ماده ضرر ندارد بلکه نفع هم دارد

**رئیس - آقایان** کارزونی ( اجازه )

**کارزونی** - اگر چه بعقیده بنده اظهاراتی که آقای آقا سید یعقوب کردند وافی و کافی بود ولی بنده هم بنوبت خودم عرض می کنم این ماده بطوری که نوشته شده همچو می رساند که قابل تفسیر و تعبیر است زیرا اینکه نوشته در صورت بروز اختلاف قضیه بحکایت رجوع خواهد شد

ذکر این عبارت ( خاصه در موقعیکه دولت ایران میخواهد بکنفران خارجی را استخدام کند ) در قانون خوب نیست چه در حقیقت این یک تصدیق ضمنی است که مرجع نظلمات عمومی در این مورد عدلیه نیست و با آرزو آمانی که ما داریم برای این که هر چه زودتر کابینتولیسون نشود و کرایه این جمله در قانون چنانچه عرض شد خوب نیست و در هر صورت مستلزم یک تسویه تیرانی خواهد بود و ما در اجراء اشکال خواهد کرد

بجای این جمله خوب بود که میگرداند اگر اختلافی پیش آید به قانونی که بقاضی نوشته شده است مراجعه شود

چنانچه دیده شد شریک مرددی یک اختلافی در نتیجه پیدا شد و یک تشبیهی هم بکار رفت اگر چه قابل اعتناء نبود و حق هم نداشتند

اما باید مسئله طوری باشد که خود آن مستخدم هم بدانند که نمی توانند یک تفسیر بی جای بکنند

ما باید در نتیجه تجربیاتی که داریم یک کارهایی نکنیم که در آتی دچار زحمت بشویم و در هر حال بنده بعقیده خودم این ماده را زاندمیدانم دیگر بسته بنظر قایمانست وزیر مالیه - بنده همچو خیال میکنم که آقایان هیچ احتمال نمیدهند که در این کثرتها ممکن است یک اختلافی بین دولت و مستخدم واقع شود مخصوصاً از بیانات آقای آقا سید یعقوب همچو استفاده میشد که در قانون هیچ این

در صورتی که اگر توجه فرمایند که غالباً دعوی و اختلاف از قانون ناشی می شود

مثلاً یک کسی می گوید منی قانون این است و در فلان موضوع حق با من است طرف مقابل طور دیگر می گوید و میگردد غیر حق با من است

در مسائل قضائی هم همین طور است خیلی کم اتفاق می افتد که دعوی بین دو نفر واقع شود که مستند بقانون نباشد پس ما باید قانون یا یک کثرت را طوری تصور کنیم که هیچوقت اعمال بروز اختلاف در آن ندهیم

بروز اختلاف مسلم است منتهی باید حل آن را پیدا کرد و در نظر گرفت می فرمایند معاکه باید بموجب فلان قانون با فلان ترتیب باشد

در این جا گفتگو از این که معاکه باید از روی چه قانونی باشد نیست گفتگو در این است که وقتی اختلاف حادث شد کی حل کند معاکه کیست

اساساً در این قبیل موارد اگر آقایان تأمل و توجه فرمایند تصدیق خواهند کرد اگر بنا باشد اختلافات بوسیله حکایت حل شود خیلی بهتر است تا این که یک معاکه مراجعه شود

علاوه بر این در این مورد بخصوص اگر این قانون باشد که حاکم یکطرف باشد نمی شود

زیرا نمیشود گفت حاکم خود درکت یا وزارت مایه باشد

بنابراین باید قضیه یک ترتیبی حل شود می فرمایند آرزو و آمال داریم که کابینتولیسون نشود و همه مراجعات بجای عدلیه رجوع شود - بسیار خوب

ولی هنوز که ما باین مرحله نرسیده ایم پس حالا اگر اختلافی حاصل شد چه باید کرد؟

و جوی باید برای آن تصور کرد آنهم از چند حال خارج نیست یا باید برود به معاکات وزارت خارجه یا بوسیله مذاکرات دیپلماتی بین دولتین حل شود

وقتی که این تصورات مختلفه را می بینیم می بینیم بهترین وجوه این است که بطریق حکایت قضیه حل شود

می فرمایند برود بمجلس صالح لاهه مگر خوب است که دولت ایران محتاج شود غالباً بدولت دیگری مراجعه کند

**آقا سید یعقوب** - بنده شوشی کردم

**وزیر مالیه** - پس آقایان خوب است درست تأمل و مطالعه فرمایند آنوقت تصدیق خواهند کرد که این اشکالاتی که می فرمایند وارد نیست و بهترین راه حل همان حکایت است

اما این که می فرمایند در کثرتهای سابق چنین ماده ای نبوده لازم است عرض کنم که در تمام کثرت های سابق که با مستخدمین خارجه بسته ایم این ماده هست و این مسئله را اشاره کرده

**جمعی از نمایندگان** - مذاکرات کافی است

**رئیس** - پیش نهادها فراغت می شود ( بشرح ذیل خوانده شد )

بیش نهاد آقای شیروانی بنده پیش نهاد میکنم ماده پانزدهم بطریق ذیل اصلاح شود:

ماده پانزدهم - هر اختلاف نظری که بین وزارت مایه و یکی از مستخدمین امریکائی که بموجب این قانون استخدام شده راجع بتفسیر کثرت او تولید گردید و بطور خصوصی رفع نشد قضیه بمعاکات وزارت مایه ارجاع و چنانچه تقاضای تجدید نظر از جانب هر یک از طرفین بعمل آمد بمعاکه عالی تمیز رجوع و حکم معاکه عالی تمیز قطعی خواهد بود

**رئیس** - آقای شیروانی ( اجازه )

**شیروانی** - بنده از آقایان استدعا میکنم که تصور نفرمایند این پیش نهاد از طرف یک شخصی معین است و خوب است یک نفری اصل قضیه وقت فرمایند

مخصوصاً فرمایشات آقای فروغی بیشتر بنده را باین موضوع علاقتند کرد

بنده همیشه یک نظریه نسبت به مستخدمین امریکائی داشتم تا این اواخر

ولی این نظر بنده نظر تنقیدی بود و هیچوقت نظرم نمی بود و این تنقیدات من هم تامل از نقطه نظر عملیات آن ها نبود

بلکه یک قسمتش از لحاظ مواد و قوانینی بود که بدست آن ها سیرده بودیم

بطوری که آن ها برای خودشان یک طوری تفسیر میکردند و ما نوع دیگر تفسیر می کردیم و این تفسیرات بالاخره منجر بیک اختلاف نظری شد که بنده را وادار کرد به تنقیدات نسبت بآنهاچه در مجلس و چه در خارج و در خارج و این ماده یکی از مواد است که بیشتر باب آن تنقیدات را باز میکند و همین ماده است که در آتی ما را بزحمات عجیبی می اندازد

اولاً تفسیر قانون یکی از حقوق مسلمه و خاصه مجلس شورای ملی است و هیچ مقامی غیر از مجلس حق تفسیر قانون را ندارد

این اختلاف نظری که اینجا بطور تفسیر ذکر کرده است نه این است که حقیقه بخواهند قانون را تفسیر کنند بلکه غرض این است که اگر اختلافی حاصل شد چه باید کرد و چه شکل آنرا باید رفع نمود؟

بنده بدون اینکه زیر لفظی گفته باشم آرزو و آمال صاف عرض می کنم که حق قضات و استقلال قضائی برای مملکت قائل هستم و هیچکس هم اجازه نمی دهم که در امور قضائی مداخلت کند

بنده عرض می کنم اگر اختلافی پیدا

شد باید مسئله برود بدلیه آقای فروغی که دفاع کردند خودشان رئیس دیوان عالی تمیز هستند و باید باین نوع مسائل بیشتر توجه کنند و بدانند که ما مدلیه داریم معاکات مایه داریم خود رؤسای مایه هم بمعاکات مایه مراجعات زیاد می کنند

چه ضرر دارد که این اختلاف هم در همانجا رسیده گی شود

زیرا یک نفر امریکائی که بمملکت ما می آید و مستخدم ما است باید تابع قوانین ما باشد و در معاکه ما که معاکه شود و نباید هیچ تفاوتی بادیگری داشته باشد

اما اینکه در این ماده ذکر شده که هر اختلاف نظری که بین دولت ایران و یکی از مستخدمین امریکائی - همانطور که آقای آقا سید یعقوب فرمودند این یک اختلافی بین دولت ایران با آن مستخدم نیست

بلکه اختلاف بین او و وزارت مایه که اداره مافوق او است حاصل می شود

مخصوصاً در اینجا عبارت ( دولت ایران ) باید نوشته شود و وزارت مایه نوشته شود

آنوقت هم هنگام بروز اختلاف باید امر چنانچه سایر مستخدمین حتی مدیر کل و بالاخره تمام اشخاصی که باین اشخاص هر تریه هستند آنهاجا مراجعه می کنند آنوقت اگر آقای مستخدم قانع و راضی نشود تقاضای تجدید نظر کرد باید مسئله بمعاکه عالی تمیز برود و در آنجا اختلاف نظر حل شود

امادر باب تفسیر قانون اگر حقیقه یک وقتی خواستند مواد قانونی را تفسیر کنند باید آن ماده را مطابق معمول بیاورند بمجلس شورای ملی و در آنجا آن ماده یا آن قانون تفسیر شود

بنده از آقایان استدعا دارم که در این مسئله قدری بیشتر دقت فرمایند تا یک وقت یک ماده که برخلاف مصالح مملکت است از مجلس نگذرد

**مخبر** - این مسائلی را که راجع به اهدیت و استقلال حقوق قضائی فرمودند البته همه موافقیم و سرجای خودش صحیح است

ولی این مسئله هیچ مربوط با استقلال امور قضائی نیست

یک اصلی در همه جا معمول است و آن اصل حکایت است

چنانچه اگر بنا شود از ایران هم یک نفری یکی از نقاط دنیا برود در کثرت او هم همین ماده نوشته خواهد شد

اگر که اختلاف نظری بین او و آندرات پیش آمد قضیه بطور حکایت رفع خواهد شد

و اینهم خیلی ساده است

وزیر مالیه معین می کند منتهی با موافقت رئیس کل مایه خواهد بود

بهر حال اگر در کثرتهای سابق چنین ماده بوده تجربیات حاصله از گذشته بنا موخته است که باید یک چنین ماده ضرر ندارد بلکه نفع هم دارد

**رئیس - آقایان** کارزونی ( اجازه )

**کارزونی** - اگر چه بعقیده بنده اظهاراتی که آقای آقا سید یعقوب کردند وافی و کافی بود ولی بنده هم بنوبت خودم عرض می کنم این ماده بطوری که نوشته شده همچو می رساند که قابل تفسیر و تعبیر است زیرا اینکه نوشته در صورت بروز اختلاف قضیه بحکایت رجوع خواهد شد

ذکر این عبارت ( خاصه در موقعیکه دولت ایران میخواهد بکنفران خارجی را استخدام کند ) در قانون خوب نیست چه در حقیقت این یک تصدیق ضمنی است که مرجع نظلمات عمومی در این مورد عدلیه نیست و با آرزو آمانی که ما داریم برای این که هر چه زودتر کابینتولیسون نشود و کرایه این جمله در قانون چنانچه عرض شد خوب نیست و در هر صورت مستلزم یک تسویه تیرانی خواهد بود و ما در اجراء اشکال خواهد کرد

بجای این جمله خوب بود که میگرداند اگر اختلافی پیش آید به قانونی که بقاضی نوشته شده است مراجعه شود

چنانچه دیده شد شریک مرددی یک اختلافی در نتیجه پیدا شد و یک تشبیهی هم بکار رفت اگر چه قابل اعتناء نبود و حق هم نداشتند

اما باید مسئله طوری باشد که خود آن مستخدم هم بدانند که نمی توانند یک تفسیر بی جای بکنند

ما باید در نتیجه تجربیاتی که داریم یک کارهایی نکنیم که در آتی دچار زحمت بشویم و در هر حال بنده بعقیده خودم این ماده را زاندمیدانم دیگر بسته بنظر قایمانست وزیر مالیه - بنده همچو خیال میکنم که آقایان هیچ احتمال نمیدهند که در این کثرتها ممکن است یک اختلافی بین دولت و مستخدم واقع شود مخصوصاً از بیانات آقای آقا سید یعقوب همچو استفاده میشد که در قانون هیچ این

در صورتی که اگر توجه فرمایند که غالباً دعوی و اختلاف از قانون ناشی می شود

مثلاً یک کسی می گوید منی قانون این است و در فلان موضوع حق با من است طرف مقابل طور دیگر می گوید و میگردد غیر حق با من است



دو نفر حکم او دو نفر هم وزیر مالی و یک نفر سر حکم هم بتراضی معین خواهد شد که باختلاف و گفتگو خاتمه دهند. این نه مخالف حیوة است نه مخالف استقلال امور قضائی است و هیچ منافاتی هم با هیچ چیز ندارد.

و این شرحی هم که فرمودند هیچ وارد نبود و ابداً جای نگرانی نیست و این یک ماده سهل و ساده ای است که در حقیقت بفتح طریقی است.

رئیس - رأی می گیریم بپیشنهاد آقای شیروانی.

شیروانی - استدعا میکنم یک مرتبه دیگر بخوانند.

(شرح سابق خوانده شد)

**وزیر مالیه -**

چون ممکن است بعضی شبهات حاصل شود از این جهت لازم است بنده یک قدری بیشتر توضیح بدهم.

اولاً همانطور که آقای مغیر فرمودند این مسأله هیچ مربوط با استقلال و حیثیت و قضاوت و عدلیه نیست.

باید ببینیم مصلحت در چیست؟ در صورتیکه هیچ اشکال هم نداشته باشد که بعد از مراجع کنند باز هم مصلحت در این است که به حکمت حل شود.

ثانیاً در باب تغییر فرمودند این اشتباه خیلی بزرگ است زیرا تغییر قانونیکه با مجلس است آن مسأله دیگری است.

قوم مجریه - قوه مقننه و قوه قضائیه هر سه تفسیر قانون میکنند منتهی هر کدام بیک وجهی و باید بهم بکنند.

اجرای قانون خودش تفسیر قانون است.

یک نفر وزیر یا یک نفر مدیر اداره یا هر کسیکه مطابق قانون عمل میکند خود آن تفسیر قانون است.

منتهی تفسیر عملی است معنی که در مدرسه حقوق قوانین مملکت را درس میدهند آنهم تفسیر است.

این تفسیر عملی است قاضی که در محکمه عدلیه حکم صادر میکند تفسیر قانون میکند این تفسیر قضائی است.

ولی وقتیکه یک اختلافاتی برای دولت پیدا میشود که مردم می شوند اعضاء ادارات و وزارتخانه ها و دولت در باب معنای قانون و در باب اینکه این قانون را چه طور اجرا کنیم آنوقت باید یک حکمی معین کنیم و آن حکم هم مجلس شورای ملی است می آوریم از مجلس می پرسیم که شما چه طور دستور می دهید.

این قانون را اجرا کنیم آنهم نه این است که معنی قانون را نمی فهمیم بلکه برای این است که اختلاف عقیده پیدا می شود.

این یکی می گوید خوب است اینطور اجرا کنیم.

آن یکی می گوید خوب است اینطور عمل کنیم.

این است که بالاخره حاکم را مجلس قرار می دهد که او بگوید این قانونیکه فلانوقت اینطور از مجلس گذشت بهما از این باید اینطور باشد.

و اینکه اینجا گفته شده راجع بتفسیر کترات او باید بحکمت رجوع شود نه این است که حق را از مجلس شورای ملی سلب می کند.

این تفسیر قانون نیست. این تفسیر کترات است.

یعنی اختلافی پیدا می شود بین مستخدم دولت.

مثلاً او می گوید بموجب این کترات باید صد تومان بین بدهید یا مطالبه خرج سفر میکنند یا می گوید بموجب این کترات من در این مقام واقع شده ام که باید این ماده را در باره من اجرا کنید.

دولت می گوید خیر این ماده شامل تو نیست و آن ماده شامل تو است.

در اینصورت این آن تفسیر قانونی نیست که از وظیفه و حق مجلس شورای ملی باشد و گذشته از مسأله تفسیر استقلال و قضاوت عقیده ما این است که اگر مسأله بحکمت رجوع شود و بآن طریق تمام شود بهتر است تا اینکه بیکه بیکه دیگری اعم از اداری و غیره رجوع شود.

رئیس - آقای شیروانی پیش نهاد خودشان را تغییر داده اند. عرض محاکمات مالیه نوشته اند محکمه اداری.

رأی گرفته می شود بقبال توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجهش میدانند قیام فرمایند.

(عده قلبی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد.

پیشنهاد آقای اخگر (شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم کلمه تفسیر حذف شود.

**وزیر مالیه -** بنده قبول میکنم و خواهش میکنم آقای مغیر هم قبول کنند چون اشکالی ندارد لفظ تفسیر را بردارند و بجایش در موقع اجراء کترات آنها یا یک همچو عبارتی پیدا میکنم و می نویسم.

مغیر - بنده هم قبول میکنم.

رئیس - پیشنهاد آقای تهرانی (بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم که در آخر ماده اضافه شود و در صورت عدم موافقت رئیس کل مالیه با وزیر سر حکم طریقی بقرعه معین خواهد شد.

رئیس - بفرمائید.

**آقای شیخ محمدعلی طه رانی -** عرض از این ماده رفع اختلاف بین

مستخدمین امریکائی است و وزیر مالیه و اگر این عبارت را منتم ماده قرار نمی دادند و نمی نوشتند که (هر گاه تراضی در زمین سر حکم بعمل نیامد سر حکم را وزیر مالیه با موافقت رئیس کل مالیه معین خواهد نمود) اگر این عبارت را می نوشتند کفایت میکرد لیکن چون این عبارت را نوشته اند معنی این است که ممکن است سر حکم معین بشود یعنی در تعیین آن اختلاف واقع شود بین رئیس کل مالیه و وزیر مالیه و البته وقتی اختلاف واقع شد همیشه این دعوا باقی است.

آنوقت خانه این دعا بچیت؟ فقط بقرعه معین بکنند.

حتی در عدلیه هم سر حکم یعنی آن شخصی که حکم ثالث است اگر با اتفاق آراء معین نشد بتوسط قرعه معین می شود.

بنا بر این اگر در تعیین سر حکم توافق حاصل نشود باید بتوسط قرعه حکم معین بکنند.

مغیر - اینجا یکی از مواردی است که نمی شود اختیار را بدست قرعه داد و تا حکم معین می شود بکنی را وزیر مالیه و دیگری را طرف معین می کند حالا اگر در سر حکم ها تراضی پیدا نشد آنوقت وزیر مالیه با موافقت رئیس کل مالیه حکم را معین خواهد کرد و اگر در یک مورد توافق حاصل نشد البته در مورد دیگر خواهد شد بهر حال این پیشنهاد را نمی شود قبول کرد و بضرر ما است.

رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند.

(عده کمی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای افشار (شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم کلمه تفسیر حذف شود.

**وزیر مالیه -** بنده قبول میکنم و خواهش میکنم آقای مغیر هم قبول کنند چون اشکالی ندارد لفظ تفسیر را بردارند و بجایش در موقع اجراء کترات آنها یا یک همچو عبارتی پیدا میکنم و می نویسم.

مغیر - بنده هم قبول میکنم.

رئیس - پیشنهاد آقای تهرانی (بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم که در آخر ماده اضافه شود و در صورت عدم موافقت رئیس کل مالیه با وزیر سر حکم طریقی بقرعه معین خواهد شد.

رئیس - بفرمائید.

**آقای شیخ محمدعلی طه رانی -** عرض از این ماده رفع اختلاف بین

بنده در گسیبون بودجه هم با این ترتیب حکمت مخالف بودم و عقیده ام این است در مطالبی که در کتبات آن ما قانون مینویسیم دیگر نباید در جزئیات آنهم هر روز یک قانونی بتوسیم راجع بحکمت ما خودمان یک قانونی داریم و در آن قانون راجع باین قسمت هم نوشته شده است و دیگر دلیل ندارد که باینهم در اختلاف بین یک مستخدم خارجی و دولت هم یک قانونی وضع کنیم.

آقای ابواب کیخسرو برای مطالعه و اداره تلفن از آلمان چند نفر را استخدام کردند و همین شرط را با آنها هم قبول نمودند در این صورت هیچ عیب ندارد که این مستخدمین امریکائی هم تابع قانون حکمت ایران باشند.

مغیر - این ملاک در گسیبون هم شد ولی دچار یک اشکالی شدیم و آن این بود که قانون حکمتی که میفرمایند صحیح است ولی آن قانون حکمت را مستخدم امریکائی از فشار اطلاع ندارند باین جهت این طریق حکمت را معین نمودیم و این هم مخالف با آن قانونی که میفرمایند نیست.

کازرونی - استدعا میکنم پیشنهاد بنده را هم بخوانند.

رئیس - رأی گرفته میشود بقبال توجه بودن پیشنهاد آقای طباطبائی آقایانی که قابل توجهش می دانند قیام فرمایند.

(عده قلبی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد.

پیشنهاد آقای آفاشخ جلال (بترتیب ذیل قرائت شد)

اصلاح ماده یازدهم را شرح ذیل میدانم:

که بعد از کلمه خواهد بود وسط آخر اضافه شود و در هر حال حکم ها باید تبه دولت علیه ایران باشند.

رئیس - بفرمائید.

آقا شیخ جلال - این پیشنهاد بنده با عقیده گسیبون هم موافقت میکند و بعد از بنده معتقدم که باید در این قسمت حقوق ایران محفوظ بشود و حکم ها ایرانی باشند و اگر بنا شود این مسئله در قانون تصریح نشود.

ممكن است همیشه اوقات حکمها یا اروپائی باشند یا اشخاص خارجی

بنابراین برای اینکه حقوق ایران تأمین شود بنده پیشنهاد کردم حکمت ایرانی باشند.

مغیر - نظر گسیبون اینطور فرمودند نبود برای این که در این جا نباشد در این ماده این قید را کرد زیرا آنطرف آنرا است و هر کسی را میخواهد باید انتخاب کند و همینطور ما هم آزاد هستیم.

وزیر مالیه - علاوه بر این بنده تصور میکنم شاید مصلحت نباشد که این قید ما را

بکنیم زیرا در گسیبون می توانست دولت ایران یک نفری را در نظر بگیرد که خیلی صالح باشد و با دولت هم موافق باشد.

ولی تبه ایران نباشد در این صورت نباید دست دولت را بست زیرا شاید در میان ایرانیها در یک مورد بخصوصی دولت کسی را در نظر داشته باشد که صالح شده.

رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(عده قلبی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد.

پیشنهاد آقای آفاشخ یعقوب (شرح ذیل خوانده شد)

بنده ماده ۱۰ را این نوع پیش نهاد میکنم:

در صورت ظهور اختلاف میان وزیر مالیه و یکی از مستخدمین مرجع هیئت وزراء است حکم هیئت وزراء در این موضوع قطعی است.

رئیس - بفرمائید.

**آقای سید یعقوب -** بنده نظرم تا اندازه موافق با فرمایش آقای شیروانی است زیرا اختلاف نظر بین دولت و مستخدم نیست.

دولت عبارت از هیئت وزراء است و آنها دارای یک عملیات دیگری هستند این مستخدم مسئول رئیس مالیه است و رئیس مالیه هم مسئول وزیر مالیه است.

پس اختلاف بین وزیر مالیه و مستخدم واقع میشود و در این کترات در این قسمتش بنده خیلی میل دارم و همین طوره آقایان هم نهایت میل دارند منتهی امیدام چرا نمیخواهند موافقت نمایند.

بنده می خواهم استقلال از همه چه از بین نرود.

هیئت وزراء مرجعیت دارد از برای تمام قضایا و دیگر لازم نیست ما این یک نفر مستخدم را طرف یک دولتی قرار بدهیم و یک محکمه تشکیل بدهند و حکم معین کنند از این جهت بنده عقیده دارم مرجع همان هیئت وزراء باشد و هر حکمی آنها صادر نمایند قاطع است.

رئیس - آقای ندین (اجازه)

ندین - بنده نمیخواهم زیاد در این موضوع اطلاع سخن بنمایم و بطور اجمال عرض میکنم که خود آقای آفاشخ یعقوب تصدیق خواهند کرد که مدعی قضائی نباید باشد و دولت اینجادمعی ست و وزارت مالیه هم می گویند جز دولت است بنابراین مدعی نباید قاضی باشد.

**وزیر مالیه -** مخالفت بنده در اینجا از برای این است که آقای آفاشخ یعقوب بیانات اینجا اشاره شد درست توجه نمی کنند.

**آقای سید یعقوب -** خوب می فهمم (سخنه نمایندگان)

**وزیر مالیه -** اجازه بفرمائید.

اگر در یک موردی اختلافی بین وزیر مالیه و آن مستخدم پیدا شد و حکمت آن بدولت رجوع شد اگر دولت حق به آن وزیر مالیه نهد آن وزیر مالیه باید استقا بدهد.

وزیر مالیه خودش جز دولت است آن وزیر مالیه که با دولت موافق نباشد نباید بماند در هر صورت وزیر مالیه باید با رأی دولت و دولت با وزیر مالیه موافقت بکنند باز بالمال وزیر مالیه خود دولت خواهد بود.

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای آفاشخ یعقوب را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد.

پیشنهاد آقای سلطانی (بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیش نهاد می کنم ماده یازدهم با این طریق اصلاح شود:

ماده ۱۰ هر اختلاف نظری که بین دولت ایران و یکی از مستخدمین امریکائی که بموجب این قانون استخدام شده است در ضمن اجرای کترات او (قیر از مورد تشخیص اختیارات تولید کردد الی آخر ماده ۱۰)

رئیس - بفرمائید.

**سلطانی -** یک اختلاف نظرهای است که آنرا خود رئیس مالیه بموجب کتراتش می تواند رفع کند چون در این امر نوشته شده است که (غیر از مورد تشخیص اختیارات)

یعنی اگر در مورد تشخیص اختیارات اختلافی بین مستخدمی و دولت پیدا شد خود رئیس مالیه می تواند تشخیص بدهد و رفع اختلاف را بنماید.

در اینصورت محتاج بحکمت نیست و در غیر آن یعنی در مواردیکه بموجب اختیارات رئیس کل مالیه رفع اختلافات نمیشود.

آنوقت حکمت لزوم پیدا نکند از این جهت اینطور پیشنهاد کردم که در مواردیکه رئیس مالیه میتواند رفع اختلاف را بنماید.

او این کار را بکند و در غیر آن مورد بساین ترتیبی که اینجا نوشته شده عمل شود.

**وزیر مالیه -** این پیشنهادی که شده است دولت میتواند قبول کند منتهی باین توضیحاتی که عرض میکنم اولاً چنانچه عرض کردم بنده موافقت می کنم باینکه لفظ غیر برداشته شود و یکی هم چنانچه در ضمن بیانات اینجا اشاره شد در بعضی موارد و اختلافات پیدا شد بین دولت و مستخدمین امریکائی که

آن اختلافات اسباب اشکال شد و آن اختلافاتی که اسباب اشکال شده بود راجع باختیاراتی که آنها داده شده بود البته در آنصورت لازم نیست ما حکمت را اسباب اختلاف قرار بدهیم.

پس اگر اختیارات را خارج کنیم که در باب تشخیص اختیارات بحکمت مراجعه نشود.

آنوقت همانطور که عرض کردم باقی می ماند مواردیکه یک مستخدمی میگوید من واقع شده ام در مورد اجرای مثلا ماده (۱۳) یا فلان ماده دیگر یا اینکه ملایب شده ام.

باید بمن مرخصی بدهید یا خرج سفر بدهید و دولت میگوید خیر حالا موافق نیست.

که خرج سفر داده شود یا فلان ماده اجرا شود و البته از این نوع اختلافات واقع میشود و باید هم حل بشود و حاش هم اگر بطریق محاکمه بشود هیچ ضرری ندارد و همانطور که عرض کردم بهترین طرز محاکمه هم حکمت است و بالاخره رجوع بحکمت میشود و اختلافاتی هم که اینجا ذکر شده است از این قبیل است.

رئیس - عقیده گسیبون چیست؟

مغیر - واگذار به رأی مجلس می کنم.

**شیروانی -** مجلس باید رأی بدهد.

**آقای سید یعقوب -** دولت قبول کرد.

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند.

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای مساوات بترتیب ذیل خوانده شد - بنده اصلاح ماده یازدهم را بطریق ذیل میکنم در آخر ماده این عبارت را اضافه شود (و حکم محکمه قاطعی خواهد بود)

رئیس - بفرمائید.

**مساوات -** لابد هر اختلافی یک نفری را لازم دارد که یعنی حاکمیت کند ولی فقط چیزیکه در حکمت لازم بود بنده تذکر بدهم.

این است که اینها باید قید شود که مثل سایر حکمتها تجدید نظر نشود و حکم حکم وقتی صادر شد قطعی باشد حالا اگر آقایان موافقت میکنند رأی بدهند.

رئیس - عقیده گسیبون چیست؟

مغیر - به رأی مجلس واگذار می کنم.

رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند.

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد اجازه می فرمایند چند دقیقه تنفس داده شود.

**جمعی از نمایندگان -** صبح است (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل ویس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - پیشنهاد آقای کازرونی (شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که بجای ماده ۱۰ اینطور اصلاح شود:

ماده ۱۶ در صورت حدوث اختلاف بمصل دوم قانون محاکمات حقوقی مراجعه و بر طبق آن فصل عمل شود.

رئیس - بفرمائید.

**کازرونی -** گمان میکنم تمام مقاصدی را که آقایان در نظر دارند در این ماده دارد.

زیرا در آن فصل قانون محاکمات حقوقی ما در قسمت حکمت این مراتب را هم ذکر کرده و دیگر محتاج نیست که ما در مقابل یک قانونی که داریم و همین مقصود را هم می رساند.

در اینجا هم یک ماده اضافه کنیم و در واقع آن قانونی که داریم خیلی بهتر و تمام تر و افنی است.

از این جهت بنده پیشنهاد کردم که بهمان فصل قانون محاکمات حقوقی مراجعه شود.

زیرا اگر آقایان با آن فصل مراجعه فرمایند نخواهند دید که تمام موارد را که راجع به حکمت در نظر دارند بهتر از این که این جا نوشته شده است در آنجا هست.

رئیس آقای مدرس (اجازه)

مدرس - چون عضو گسیبون بودجه هستم.

با این که حال ندارم لازم می دانم چند کلمه عرض کنم.

گمانم این است که این مذاکراتی که راجع باین ماده شد خیلی آنها لزومی نداشت ولی مندرک در مسئله حکمت در این جا خیلی بهتر شد یکی گفت عدلیه یکی گفت محکمه.

یکی گفت فلان در صورتی که بعقیده بنده تمام خارج از موضوع بود اینجا محاکمه و نظلم و شکایت نیست که بگوئیم مطابق این قانون است یا در سایر قانونها هم هست.

این جا صحبت در این است که در معنای لغوی اختلاف واقع شد این را کی باید حل کند؟ اینجا گفته اند باید این دو نفر را سه نفر را معین کنند که این لفظ را معنایش تطبیق کنند. مسئله محاکمه در این جا قاطع است.

مسئله محکمه غلط است و هیچ ربطی به آن باب ندارد و اگر در باقی نوشتهجات

هم معنای لفظی محل گفتگو واقع بشود باید اهل خیره معنای آن لفظرا همین کنند که مربوط بچه چیز است و متعلق بکدام مطلب است اینجا بعضیها پیش نهاد کردند که لفظ تفسیر را بردارند و بجایش چیز دیگری بگذارند.

این هم بی مورد است زیرا باید لفظ تفسیر باشد که تفهیم این مسئله ربطی بهجا که وحکیمت ندارد فقط اختلاف در اجاره نامه است که این لفظی که در این اجاره نامه نوشته شده معنیش چیست؟ و در این جا یکی باید باشد که رفع اختلاف را بنماید و مربوط بجلس شورای ملی هم نیست چون مسئله دولتی و راجع برفع ضرر دولتی است و باید دولت محکم همین کنند و یک نفر هم از طرفین همین شود آنها رای بدهند و طرفین مفاد آن رضایت پیدا کنند و آن قانونی که تفسیرش راجع بجلس شورای ملی است قانونی است که برگشتش بملکت است و عومومی است و البته آن راهم و کلاء چون نائب مناسب موکلین خود هستند حل خواهند کرد لیکن این حق مختص باین دوفتر است و البته این دوفتر هم وقتی حکم همین کردند رضایت خودشان رافع اختلاف می شود و بقیه بنده مذاکره در این ماده زیاد بر این قضی نیست و اینطوری که نوشته شده و پیشنهاد شده است صحیح است و بموجب قوانینی هم که داریم همین طور باید نوشته شود.

رئیس - آقایانی که پیش نهاد آقای کازرونی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قبلی قیام نمودند) رئیس قابل توجه شد پیش نهاد آقای شیروانی (بمضمون ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم بعد از کلامه حکم این جمله اضافه شود: از اتباع دولت ایران یاد دولت متهمه امریکا.

شیروانی - بنده خیلی مسرورم که توضیح آقای مدرس بگذردی مسئله در اهمیت باین آورد که این موضوع حکیمت موضوع قضاوت و این قبیل چیزها نیست ولی پیش نهاد آقای کازرونی مربوط بقوانین داخلی ما بود و اینکه اصل حکیمت باید تابع قوانین ما باشد.

پیش نهاد بنده هم مربوط باین است و بالاخره همانطوری که آقای مدرس توضیح دادند باید طرفین آزاد باشند ولی باید دید که آزادی طرفین ممکن است قسدا درش باشد یا نه مثلا یک طرف خواست مأمور رسمی یک ملکیتی بایک وزیر مختار یا یک قنصلی را بیاورد حکم قرار بدهد آیا این صلاح هست چکه این حکم را قبول کنیم یا نه؟ بنده تصور میکنم با همه آن کوچککی

قضیه که آقای مدرس فرمودند در همان اختلاف لفظ هم باید مأمور ملکیت دیگری دخالت در مسائل داخلی ما بکنند ولی چون ممکن است طرف مقابل بگوید حکمها از طرف یک دولت نباشد و از طرفین باشد ممکن است دولت ایران هم حکم را از اتباع امریکا مین کند یا آنها از اتباع ایران کنند.

بالاخره از اتباع دولت طرفین حکم ها را مین کنند مخیر - بنده خیال میکنم این چیزهایی را که فرمودید هیچکدامش مضرباشد زیرا اصلا لزومی داشته باشد که حکمین از اتباع دولت امریکا یا از اتباع دولت باشد شاید در موقعی برای دولت خودمان لازم باشد که یک نفر از اتباع مثلا دولت فرانسه یا بلژیک را مین کنند و اینکه فرمودید اگر چنانچه یک نفر قنصل یا یک نفر وزیر مختار مین کنند.

این مداخله در امورات داخلی ما است ابتدا اینطور نیست این قضیه حکیمت یک اختلاف نظری است که مابین مستخدم و دولت واقع میشود و این را ممکن است هر کسی میخواهند رجوع کنند که رفع اختلاف نظر بکنند و هیچ اشکالی ندارد.

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای شیروانی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (چند نفری برخاستند) رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای شریعت زاده (بمضمون ذیل قرائت شد) پیش نهاد میکنم که اگر در تعیین سر حکم بین وزیر مالیه و رئیس کل مالیه موافقت حاصل نشود هر یک از وزیر مالیه یا رئیس کل مالیه دوفتر را مین و از میان آنها سر حکم را بوسینه فرجه مین نمایند.

شریعت زاده - بنده این پیشنهاد را برای این تقدیم کرده بودم که در خصوص مناقشات راجعه باصل حکیمت یعنی ماده ۱۰ یک توضیحاتی بدهم که رفع اشکال از آقایان بدیهی اینقدر مذاکره نشود ولی چون بعضی از آقایان مقصود بنده را کاملا توضیح دادند بنده استرداد میکنم.

پیشنهاد آقای کازرونی بشرح ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که کلامه دولت ایران از سطر اول از ماده ۱۰ میل بوزارت مالیه شود. کازرونی - بنده گمان میکنم اختلاف نظر بین دولت ایران و یکسفر مستخدم امریکائی حاصل نمی شود. وزارت مالیه است که ممکن است این او مستخدمش در تفسیر و تعبیر عبارت

کثرات اختلاف حاصل شود. البته وزارت مالیه هم یک عضو یک جزء از دولت است لکن مقصود آن وزارتخانه مربوطه است. دولت ایران باید در مقابل یک دولت دیگری باشد و بمقیده بنده دولت ایران را باید حذف کرد و نوشت وزارت مالیه معاون وزارت مالیه - صرف نظر از این مورد بنده معتقدم که در این قبیل موارد تفاوت بین وزارت مالیه باوزارت خانه دیگر را با دولت اصلا از خاطر جمع کنیم.

بجهت اینکه وزارت مالیه هم یک مؤسسه ای است از مؤسسات دولت ایران این مطلب دوصورت دارد یک وقت قضیه قضیه ملکیتی و دولتی است اعم از اینکه نماینده اینکاروزارت مالیه باوزارتخانه دیگری باشد.

بعد از اینکه حاکم یا محکوم غالب یا مغلوب یا هر چه واقع شود دولت ایران است. و اگر بشوایم شخصی فرض کنیم باید بگوئیم فلان شخص وزیر مالیه ولی این منظور در میان نیست. وزارت مالیه آنچه میکند برای وزارت مالیه میکند که بواسطت بدولت ایران گذشته از این یک نفر از اینها هم مربوط است بوزارت فواید عامه که هم وزارت مالیه و هم وزارت فواید عامه شریکند در کثرت اوت.

و علاوه تمام وزارت خانهها شریکند در یک امری که در یک وزارتخانه واقع میشود. بنابراین بنده لازم میدانم این لفظ تقیر داده شود. وزارت مالیه هم معنی دولت ایران. رئیس - رأی میکنم قابل توجه بودن پیشنهاد آقای کازرونی. آقایانیکه پیشنهاد ایشانرا قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(مددوری قیام نمودند) رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای طهرانی (بمضمون ذیل قرائت شد) این بنده پیشنهاد می نمایم که از هر گاه تراضی الی آخر) باین نظرین اصلاح شود و هر گاه تراضی در تعیین سر حکم بعمل نیامد سر حکم را دیوان عالی تعیین مین خواهد نمود.

رئیس - (خطاب با آقای طهرانی) فرمایند طهرانی - مسائل را یکقدری باید هریان مذاکره کرد بنده چه اطمینان دارم کوزیر مالیه که بدهی آید تابع حقیقی و تسلیم رئیس کل مالیه نباشد؟ سر حکم را باید وزیر مالیه با موافقت رئیس کل مالیه مین کنند ممکن است وزیر مالیه تابع رئیس کل مالیه باشد آنوقت

رئیس کل مالیه مطابق دلخواه خودش سر حکم رامین می کند و بمدویر مالیه هم امضاء می کند. این قبیدی است که در کثرتات دکتر ملبسیو در ماده دوازده شده است و اینکه مجلس چهارم این قید را در کثرتات ملبسیو اضافه کرده است تقریباً فلسفه اش بدیهی است و هه آقایان هم معتقدند که البته مستخدمین خارجی نیابتی حق دخالت در امور سیاسی و مذهبی داشته باشند و بنده لازم می دانم که این ماده در کثرتات این آقایانهم اضافه شود.

امداد ماده دوازده که اشاره میکند باینکه سایر مواد کثرتات مستخدمین امریکائی مطابق خواهد بود با قانون مصوبه بیست و سوم عرق ۱۳۰۱ راجع باستخدام اتباع خارجه اینرا بچوجه شامل نیست زیرا قانون مصوبه بیست و سوم می نویسد: ماده دوم پس از تصویب فقرات مزبوره در ماده اول سایر شرایط را دولت تعیین و کثرتات را امضاء نمایند و در کثرتات باید دولت بموجب ماده صریحی قید نمایند که مداخله در امور سیاسی و تخلف از قوانین ملکیتی و نظرات داخلی اداری را موجب نقض دانسته.

ولی در کثرتات دکتر ملبسیو ذکر شده است از قبیل تصدی کسب شخصی و مکاتبه با مأمورین خارجی و مداخله در امور مذهبی و این قبیل چیزها را منع کرده بنابراین بقیه بنده این قسمت باید بعنوان ماده الحاقیه ضمیمه کثرتات آقایان شود.

رئیس - (خطاب بمخبر) عقیده کمیسیون چیست؟ رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای طهرانی را قابل توجه می دانند قیام فرمایند (عده کمی برخاستند) رئیس - قابل توجه نشد ماده مراجعه می شود بکمیسیون سه ققره ماده الحاقیه رسیده است که باید در آنها رأی گرفته شود.

(ماده الحاقیه از طرف آقای دامغانی بشرح ذیل خوانده شد) ماده الحاقیه - هر یک از مستخدمین امریکائی تهد می کنند که از مداخله در امور مذهبی و سیاسی و تصدی کسب شخصی و مکاتبه با مأمورین خارجه اجتناب نمایند.

رئیس - آقای دامغانی (اجازه) دامغانی - اساساً این پیشنهاد بنده چندان محتاج بتوضیح نیست زیرا فلسفه آن بدیهی است در کثرتات خود دکتر ملبسیو هم عیناً این ماده ذکر شده که بنده آن را می خوانم. ماده ۱۲ - رئیس کل مالیه تعهد می کند که از مداخله در امور مذهبی و سیاسی و

تصدی کسب شخصی و مکاتبه با مأمورین خارجه اجتناب نماید. این قبیدی است که در کثرتات دکتر ملبسیو در ماده دوازده شده است و اینکه مجلس چهارم این قید را در کثرتات ملبسیو اضافه کرده است تقریباً فلسفه اش بدیهی است و هه آقایان هم معتقدند که البته مستخدمین خارجی نیابتی حق دخالت در امور سیاسی و مذهبی داشته باشند و بنده لازم می دانم که این ماده در کثرتات این آقایانهم اضافه شود.

امداد ماده دوازده که اشاره میکند باینکه سایر مواد کثرتات مستخدمین امریکائی مطابق خواهد بود با قانون مصوبه بیست و سوم عرق ۱۳۰۱ راجع باستخدام اتباع خارجه اینرا بچوجه شامل نیست زیرا قانون مصوبه بیست و سوم می نویسد: ماده دوم پس از تصویب فقرات مزبوره در ماده اول سایر شرایط را دولت تعیین و کثرتات را امضاء نمایند و در کثرتات باید دولت بموجب ماده صریحی قید نمایند که مداخله در امور سیاسی و تخلف از قوانین ملکیتی و نظرات داخلی اداری را موجب نقض دانسته.

ولی در کثرتات دکتر ملبسیو ذکر شده است از قبیل تصدی کسب شخصی و مکاتبه با مأمورین خارجی و مداخله در امور مذهبی و این قبیل چیزها را منع کرده بنابراین بقیه بنده این قسمت باید بعنوان ماده الحاقیه ضمیمه کثرتات آقایان شود.

رئیس - (خطاب بمخبر) عقیده کمیسیون چیست؟ رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای طهرانی را قابل توجه می دانند قیام فرمایند (عده کمی برخاستند) رئیس - قابل توجه نشد ماده مراجعه می شود بکمیسیون سه ققره ماده الحاقیه رسیده است که باید در آنها رأی گرفته شود.

(ماده الحاقیه از طرف آقای دامغانی بشرح ذیل خوانده شد) ماده الحاقیه - هر یک از مستخدمین امریکائی تهد می کنند که از مداخله در امور مذهبی و سیاسی و تصدی کسب شخصی و مکاتبه با مأمورین خارجه اجتناب نمایند.

رئیس - آقای دامغانی (اجازه) دامغانی - اساساً این پیشنهاد بنده چندان محتاج بتوضیح نیست زیرا فلسفه آن بدیهی است در کثرتات خود دکتر ملبسیو هم عیناً این ماده ذکر شده که بنده آن را می خوانم. ماده ۱۲ - رئیس کل مالیه تعهد می کند که از مداخله در امور مذهبی و سیاسی و

تصدی کسب شخصی و مکاتبه با مأمورین خارجه اجتناب نماید. این قبیدی است که در کثرتات دکتر ملبسیو در ماده دوازده شده است و اینکه مجلس چهارم این قید را در کثرتات ملبسیو اضافه کرده است تقریباً فلسفه اش بدیهی است و هه آقایان هم معتقدند که البته مستخدمین خارجی نیابتی حق دخالت در امور سیاسی و مذهبی داشته باشند و بنده لازم می دانم که این ماده در کثرتات این آقایانهم اضافه شود.

امداد ماده دوازده که اشاره میکند باینکه سایر مواد کثرتات مستخدمین امریکائی مطابق خواهد بود با قانون مصوبه بیست و سوم عرق ۱۳۰۱ راجع باستخدام اتباع خارجه اینرا بچوجه شامل نیست زیرا قانون مصوبه بیست و سوم می نویسد: ماده دوم پس از تصویب فقرات مزبوره در ماده اول سایر شرایط را دولت تعیین و کثرتات را امضاء نمایند و در کثرتات باید دولت بموجب ماده صریحی قید نمایند که مداخله در امور سیاسی و تخلف از قوانین ملکیتی و نظرات داخلی اداری را موجب نقض دانسته.

ولی در کثرتات دکتر ملبسیو ذکر شده است از قبیل تصدی کسب شخصی و مکاتبه با مأمورین خارجی و مداخله در امور مذهبی و این قبیل چیزها را منع کرده بنابراین بقیه بنده این قسمت باید بعنوان ماده الحاقیه ضمیمه کثرتات آقایان شود.

رئیس - (خطاب بمخبر) عقیده کمیسیون چیست؟ رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای طهرانی را قابل توجه می دانند قیام فرمایند (عده کمی برخاستند) رئیس - قابل توجه نشد ماده مراجعه می شود بکمیسیون سه ققره ماده الحاقیه رسیده است که باید در آنها رأی گرفته شود.

(ماده الحاقیه از طرف آقای دامغانی بشرح ذیل خوانده شد) ماده الحاقیه - هر یک از مستخدمین امریکائی تهد می کنند که از مداخله در امور مذهبی و سیاسی و تصدی کسب شخصی و مکاتبه با مأمورین خارجه اجتناب نمایند.

رئیس - آقای دامغانی (اجازه) دامغانی - اساساً این پیشنهاد بنده چندان محتاج بتوضیح نیست زیرا فلسفه آن بدیهی است در کثرتات خود دکتر ملبسیو هم عیناً این ماده ذکر شده که بنده آن را می خوانم. ماده ۱۲ - رئیس کل مالیه تعهد می کند که از مداخله در امور مذهبی و سیاسی و

تصدی کسب شخصی و مکاتبه با مأمورین خارجه اجتناب نماید. این قبیدی است که در کثرتات دکتر ملبسیو در ماده دوازده شده است و اینکه مجلس چهارم این قید را در کثرتات ملبسیو اضافه کرده است تقریباً فلسفه اش بدیهی است و هه آقایان هم معتقدند که البته مستخدمین خارجی نیابتی حق دخالت در امور سیاسی و مذهبی داشته باشند و بنده لازم می دانم که این ماده در کثرتات این آقایانهم اضافه شود.

امداد ماده دوازده که اشاره میکند باینکه سایر مواد کثرتات مستخدمین امریکائی مطابق خواهد بود با قانون مصوبه بیست و سوم عرق ۱۳۰۱ راجع باستخدام اتباع خارجه اینرا بچوجه شامل نیست زیرا قانون مصوبه بیست و سوم می نویسد: ماده دوم پس از تصویب فقرات مزبوره در ماده اول سایر شرایط را دولت تعیین و کثرتات را امضاء نمایند و در کثرتات باید دولت بموجب ماده صریحی قید نمایند که مداخله در امور سیاسی و تخلف از قوانین ملکیتی و نظرات داخلی اداری را موجب نقض دانسته.

ولی در کثرتات دکتر ملبسیو ذکر شده است از قبیل تصدی کسب شخصی و مکاتبه با مأمورین خارجی و مداخله در امور مذهبی و این قبیل چیزها را منع کرده بنابراین بقیه بنده این قسمت باید بعنوان ماده الحاقیه ضمیمه کثرتات آقایان شود.

رئیس - (خطاب بمخبر) عقیده کمیسیون چیست؟ رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای طهرانی را قابل توجه می دانند قیام فرمایند (عده کمی برخاستند) رئیس - قابل توجه نشد ماده مراجعه می شود بکمیسیون سه ققره ماده الحاقیه رسیده است که باید در آنها رأی گرفته شود.

(ماده الحاقیه از طرف آقای دامغانی بشرح ذیل خوانده شد) ماده الحاقیه - هر یک از مستخدمین امریکائی تهد می کنند که از مداخله در امور مذهبی و سیاسی و تصدی کسب شخصی و مکاتبه با مأمورین خارجه اجتناب نمایند.

رئیس - آقای دامغانی (اجازه) دامغانی - اساساً این پیشنهاد بنده چندان محتاج بتوضیح نیست زیرا فلسفه آن بدیهی است در کثرتات خود دکتر ملبسیو هم عیناً این ماده ذکر شده که بنده آن را می خوانم. ماده ۱۲ - رئیس کل مالیه تعهد می کند که از مداخله در امور مذهبی و سیاسی و

تصدی کسب شخصی و مکاتبه با مأمورین خارجه اجتناب نماید. این قبیدی است که در کثرتات دکتر ملبسیو در ماده دوازده شده است و اینکه مجلس چهارم این قید را در کثرتات ملبسیو اضافه کرده است تقریباً فلسفه اش بدیهی است و هه آقایان هم معتقدند که البته مستخدمین خارجی نیابتی حق دخالت در امور سیاسی و مذهبی داشته باشند و بنده لازم می دانم که این ماده در کثرتات این آقایانهم اضافه شود.

امداد ماده دوازده که اشاره میکند باینکه سایر مواد کثرتات مستخدمین امریکائی مطابق خواهد بود با قانون مصوبه بیست و سوم عرق ۱۳۰۱ راجع باستخدام اتباع خارجه اینرا بچوجه شامل نیست زیرا قانون مصوبه بیست و سوم می نویسد: ماده دوم پس از تصویب فقرات مزبوره در ماده اول سایر شرایط را دولت تعیین و کثرتات را امضاء نمایند و در کثرتات باید دولت بموجب ماده صریحی قید نمایند که مداخله در امور سیاسی و تخلف از قوانین ملکیتی و نظرات داخلی اداری را موجب نقض دانسته.

ولی در کثرتات دکتر ملبسیو ذکر شده است از قبیل تصدی کسب شخصی و مکاتبه با مأمورین خارجی و مداخله در امور مذهبی و این قبیل چیزها را منع کرده بنابراین بقیه بنده این قسمت باید بعنوان ماده الحاقیه ضمیمه کثرتات آقایان شود.

رئیس - (خطاب بمخبر) عقیده کمیسیون چیست؟ رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای طهرانی را قابل توجه می دانند قیام فرمایند (عده کمی برخاستند) رئیس - قابل توجه نشد ماده مراجعه می شود بکمیسیون سه ققره ماده الحاقیه رسیده است که باید در آنها رأی گرفته شود.

(ماده الحاقیه از طرف آقای دامغانی بشرح ذیل خوانده شد) ماده الحاقیه - هر یک از مستخدمین امریکائی تهد می کنند که از مداخله در امور مذهبی و سیاسی و تصدی کسب شخصی و مکاتبه با مأمورین خارجه اجتناب نمایند.

رئیس - آقای دامغانی (اجازه) دامغانی - اساساً این پیشنهاد بنده چندان محتاج بتوضیح نیست زیرا فلسفه آن بدیهی است در کثرتات خود دکتر ملبسیو هم عیناً این ماده ذکر شده که بنده آن را می خوانم. ماده ۱۲ - رئیس کل مالیه تعهد می کند که از مداخله در امور مذهبی و سیاسی و

از اول سال تا آخر سال این مغارج جزء  
 را میآورند و ما تصویب میکنیم يك مرتبه  
 جمع می شود می بینیم يك تناقض ما بین  
 بودجه مصوب با آنچه که بتدریج تصویب  
 کرده ایم  
 حاصل می شود و ثانیاً بنده عرض میکنم  
 که اگر چنانچه این خرجی که وزارت مالیه  
 قابل شده مطابق قانون استخدام است دیگر  
 چه احتیاجی به تصویب مجلس دارد همان وزارت  
 مالیه مطابق قانون استخدام خودشان تعیین  
 کنند و بپردازند و جزء بودجه مملکتی  
 بعد بیآورند به مجلس و تصویب هم خواهد  
 شد اگر نیست بهتر این است قانون استخدامی  
 که منحصر برای این موارد تصویب شده  
 و تقریباً سالی دو کروم دولت ایران خسارت  
 بجهت اجرای این قانون می دهد که  
 بلکه ازین شروع و رها راجع شوی پس این  
 قانون را الفاه کنید  
 و بنده هیچ دلیلی برایش نمی بینم  
 هر چه مطابق قانون است که قانونی است و  
 هر چه هم مطابق قانون نیست در تحت  
 عنوان فقرات ضمیمه سابقه دارد  
 چه هست يك لایحه علیحدگی آورند و ما  
 هم باید تصویب کنیم  
 بنده این شخص را نمی شناسم کمیست  
 و چیست فقیر است باز هر هست مستحق  
 زیاد است  
 ولی ما نیامده ایم اینجا بنشینیم و پولی  
 را که از مردم فقیرتری می گیریم ب مردم فقیر  
 بدهیم سابقاً هم عرض کردم  
 اینجا مجلس اخلاقی نیست اینجا ما یک  
 پولی می گیریم از مجرای معین که  
 ب مجرای معین هم خرج کنیم  
 معاون وزارت مالیه آقای کازرونی  
 توجه دارند باینکه در اینجا که تشریف دارند  
 برای این است که اجر و پاداش خادمین و  
 کسانی را که بدستی خدمت کرده اند در  
 يك مقام معینی تحکیم کنند و ضمناً جزای  
 خائنین را هم بدهند و آنها را تعقیب  
 بفرمایند  
 این دواصل است که برای مستخدمین  
 دولت باعث تشویق است مرحوم میرزا  
 محمد علیخان سهرابزاده هم مشمول یکی  
 ازین دواصل است  
 ساهاست در وزارتخانه ها خدمت کرده  
 و این او را از زمان رفتن است يك عده اولاد  
 و بازمانده گان او هستند بدون هیچ  
 وسیله  
 اگر قانون استخدام اجازه می داد  
 چنانچه نسبت بدیگران اجازه داده يك  
 حقوتی بموجب قانون استخدام بر قرار  
 کنند  
 البته احتیاج به تصویب مجلس نبود  
 ولی این هم خودش یکی از تقصیرهاست  
 که در قانون استخدام احساس شده است  
 و شاید هم موقع آن برسد که اصلاح  
 آن تقاضا شود راسته ما شود که توجهی

باین مسئله بخصوص بکنند که مستخدمین  
 که سالها بدستکاری وی اکی خدمت میکنند  
 و پس از سالها خدمت یاد حین خدمت اداری  
 خودشان ازین میروند  
 یا مقتول می شوند اولاد و ورثه آنها چیزی  
 میانند زیرا که پدر آنها یا ولی آنها نان  
 آور آنها کسی بوده است که بیاکی و درستی  
 خدمت کرده و اندوخته برای آنها  
 نگذاشته  
 و البته وظیفه دولتست که رعایت حال باز  
 ماندگان آنها را بنماید و مجلس هم بیچوقت  
 مضايقه نخواهد کرد که بازمانده گان آنها را  
 رعایت کند و این ها یکی از آنهاست که  
 وزارت مالیه رعایت این ملاحظاتی را  
 کرده و پیشنهاد کرده و آنچه هم که اینجا  
 گذاشته شده از خود بودجه خرج لکنی  
 متجاوز نیست  
 البته این قبیل اوضاع هر وقت با موافقت  
 وزارت مالیه به مجلس بیاید باید اطمینان  
 داشت که کلاً رعایت شده است که از خود  
 بودجه مملکتی تجاوز نکنند  
 جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی  
 است  
 رئیس - مذاکرات کافی است  
 بعضی از نمایندگان - بلی کافی  
 است  
 رئیس - رأی گرفته می شود  
 آقایانی که ماده واحده را تصویب  
 می کنند و روزه سفید والا کبود خواهند  
 داد  
 (اخذ واستخراج آراء بعمل آمده  
 نتیجه بقراردیل حاصل شد)  
 روزه سفید علامت قبول (۷۶) روزه  
 کبود علامت رد (۱)  
 رئیس - عده حضار نود و پنج با هفتاد و  
 شش رأی تصویب شد  
 اسامی موافقین : آقایان آقا میرزا  
 احمدخان اشکر - آقا میرزا رضاخان اشکار  
 آقا میرزا سید احمد احتشام - آقا شیخ هادی  
 شیخ البر رئیس  
 امیر حشمت - آقا سید حسن اجاق  
 آقا شیخ جلال الدین - محمد ولی میرزا  
 سیف الله خان - اسکندری - آقا میرزا  
 حسین خان ملائی  
 سالار اشرف - آقا سید حسن مدرس  
 امین الشریعه - سالار اشکر - ضیاء الملک  
 آقا میرزا هاشم آشتیانی - آقا سید مصطفی  
 بهجانی  
 سردار نصرت - امیر احتشام - ملک -  
 الشعراء - اقبال الممالک - معاضد السلطنه  
 مدیران دوله - رهنا - اعتبار الدوله - مستوفی  
 الممالک - مشیر الدوله قوام الدوله - حاج آقا  
 اسمعیل  
 حاجی مشیر اعظم - محمد هاشم میرزا  
 نظم الملک عظیمی - آقا میرزا علی اکبر خان  
 داور - معظم السلطان - آقا سید حسن کاشانی  
 رئیس النجار - سردار مستر - مصدق الملک  
 رئیس - آقای روحی

آقا میرزا عبدالشاهان معتمد - صادق السلطنه  
 طباطبائی ارباب کبیر و فتح الله میرزا هرمزی  
 سهراب خان - حاج میرزا رضا خریزمندار  
 نظام التولیه - آقا سید محمد علی شوشتری  
 دکتر آقایان - صدر الاسلام - بین الملک  
 صدق السلطنه  
 ملک آراء - شیروانی - آقا میرزا محمد  
 ضیاء الواعظین سردار معتمد - شیخ  
 الاسلام ملاپری - ضیاء الاطباء - دکتر امیر -  
 خان اهل حاج سید المصطفی - غلام حسین میرزا  
 حاج میرزا محمد رضا - دست غیب - حاج شیخ  
 عبدالرحمن - سهام سلطان - آقا میرزا محمد  
 حسین صدرائی  
 آقا میرزا سلیم خان ایزدی - دکتر  
 احیاء السلطنه مدیر الملک سهرابزاده آقا  
 سید محمد تدین - آقا میرزا احمد شریزاده  
 آقا میرزا ایدالله خان - وحید الدوله - صدر -  
 العلماء  
 مفتی - دیوان بگی - آقا میرزا آقا  
 خان - کی استوان  
 مخالف - آقای ساروات  
 رئیس - آقای کازرونی پیش نهاد کرده  
 اند جلسه ختم شود  
**جمعی از نمایندگان** - صحیح  
 است  
 رئیس - جلسه آینده سه شنبه دستور  
 راهم عرض می کنیم بعد هر طور صلاح  
 دانستند پیشنهاد بفرمایند  
 اولاً خبر کمیسیون بودجه راجع  
 با استخدام مستخدمین امریکائی  
 ثانیاً قندوشکر  
 ثالثاً خبر کمیسیون بودجه راجع به  
 ورتن مرحوم میرزا اسحق خان رهبر  
**جمعی از نمایندگان** - صحیح  
 است  
**وزیر مالیه** عرض بنده راجع بلایه  
 قندوشکر بود که آقای رئیس فرمودند  
 که جز دستور و جلسه آتی است عرض  
 تا بنیم راجع بلایه اعتبار موقت اردیبهشت  
 است که این راهم تقدیم می کنم  
 (مجلس مقارن شهر ختم شد)  
 رئیس مجلس شورای ملی حسین پیرنیا  
 منشی - م شهاب  
 منشی - دکتر احتشام طباطبائی  
**جلسه یکصد و شصت و هشتم**  
**صورت مشروح**  
**مجلس دومه شنبه بیست**  
**و نهم اردیبهشت ۱۳۰۳**  
**مطابق بیست و پنجم**  
**شوال ۱۳۴۳**  
 مجلس تقریباً سه ساعت قبل از  
 ظهر ریاست آقای آقا میرزا  
 حسین پیرنیا تشکیل گردید  
 صورت مجلس یکشنبه بیست و  
 هفتم اردیبهشت را آقای آقا شیخ  
 هادی ایزدی قرائت نمودند  
 رئیس - آقای روحی

باین مسئله بخصوص بکنند که مستخدمین  
 که سالها بدستکاری وی اکی خدمت میکنند  
 و پس از سالها خدمت یاد حین خدمت اداری  
 خودشان ازین میروند  
 یا مقتول می شوند اولاد و ورثه آنها چیزی  
 میانند زیرا که پدر آنها یا ولی آنها نان  
 آور آنها کسی بوده است که بیاکی و درستی  
 خدمت کرده و اندوخته برای آنها  
 نگذاشته  
 و البته وظیفه دولتست که رعایت حال باز  
 ماندگان آنها را بنماید و مجلس هم بیچوقت  
 مضايقه نخواهد کرد که بازمانده گان آنها را  
 رعایت کند و این ها یکی از آنهاست که  
 وزارت مالیه رعایت این ملاحظاتی را  
 کرده و پیشنهاد کرده و آنچه هم که اینجا  
 گذاشته شده از خود بودجه خرج لکنی  
 متجاوز نیست  
 البته این قبیل اوضاع هر وقت با موافقت  
 وزارت مالیه به مجلس بیاید باید اطمینان  
 داشت که کلاً رعایت شده است که از خود  
 بودجه مملکتی تجاوز نکنند  
 جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی  
 است  
 رئیس - مذاکرات کافی است  
 بعضی از نمایندگان - بلی کافی  
 است  
 رئیس - رأی گرفته می شود  
 آقایانی که ماده واحده را تصویب  
 می کنند و روزه سفید والا کبود خواهند  
 داد  
 (اخذ واستخراج آراء بعمل آمده  
 نتیجه بقراردیل حاصل شد)  
 روزه سفید علامت قبول (۷۶) روزه  
 کبود علامت رد (۱)  
 رئیس - عده حضار نود و پنج با هفتاد و  
 شش رأی تصویب شد  
 اسامی موافقین : آقایان آقا میرزا  
 احمدخان اشکر - آقا میرزا رضاخان اشکار  
 آقا میرزا سید احمد احتشام - آقا شیخ هادی  
 شیخ البر رئیس  
 امیر حشمت - آقا سید حسن اجاق  
 آقا شیخ جلال الدین - محمد ولی میرزا  
 سیف الله خان - اسکندری - آقا میرزا  
 حسین خان ملائی  
 سالار اشرف - آقا سید حسن مدرس  
 امین الشریعه - سالار اشکر - ضیاء الملک  
 آقا میرزا هاشم آشتیانی - آقا سید مصطفی  
 بهجانی  
 سردار نصرت - امیر احتشام - ملک -  
 الشعراء - اقبال الممالک - معاضد السلطنه  
 مدیران دوله - رهنا - اعتبار الدوله - مستوفی  
 الممالک - مشیر الدوله قوام الدوله - حاج آقا  
 اسمعیل  
 حاجی مشیر اعظم - محمد هاشم میرزا  
 نظم الملک عظیمی - آقا میرزا علی اکبر خان  
 داور - معظم السلطان - آقا سید حسن کاشانی  
 رئیس النجار - سردار مستر - مصدق الملک  
 رئیس - آقای روحی

بیرشانی قسمت مرکزی مملکت مالز  
 نظر فقر اقتصادی قابل توجه فوق العاده  
 است و تمام آقایان میدانند که قسمت مرکزی  
 این مملکت بمتناسب قسمت های دیگر نزدیک  
 سرحدات هستند بیرشانی تراست در سه چهار  
 روز قبل از این حکومت نظامی شهر تهران  
 اعلان کرده بود که راه اهواز بخرم آباد  
 برود باز است و تجار می توانند با کمال  
 آسودگی از این راه استفاده کنند این راه  
 نزدیکترین راه لاریان قسمت مرکزی  
 ایرانست بدین برای آزاد یعنی شلیخ  
 فارس  
 برای اینکه خاطر آقایان کاملاً مسیوق  
 شود که از زنداشتن يك راه نزدیک  
 بخلیخ فارس مملکت هزار ساله چه باجی  
 بغارچه میدهند بنده يك احصائیه هائی  
 جمع کرده ام که حالا بعرض آقایان  
 میرسانم  
 بعد از تشکیل دولت بین النهرین هر  
 ساله مالز بابت حق ترنیزت یعنی حق عبور  
 جنس که از ایران رو به خارج می رود یا از  
 خارج رو بایران می آید سالانه چهار  
 میلیون و نیم الی پنج میلیون  
 روسیه بدولت عراق باج میدهم و تقریباً  
 همینقدر هم منافع تجاری تجار عراق است  
 که از اهل این مملکت و از تجارت این مملکت  
 حق العمل میگیرند و حال مزد حملش را  
 میگیرند  
 بنابراین در هر هفته این شش هفت  
 کروم تومان سالیانه برای این مملکت  
 تمام می شود صرف نظر از اینکه از حیث  
 راه آهنی که در عراق ساخته شده و حمل و  
 نقل جنس میکند نسبت باجناس ایران چه  
 آن جنس که از ایران خارج میشود و چه  
 آن جنس که رو بایران می آید بعنود غیر  
 مستقیم يك اجعائی میشود  
 آقایان میدانند هر راه آهنی از روی  
 کیلومتر یا فرسخ يك حقی دارد  
 حقی که برای هر فرسخ بین بصره و  
 بغداد باید داده شود کمتر از حقی است  
 که بین بغداد و خائنین داده میشود چرا ؟  
 برای اینکه رو بایران می آید و با از طرف  
 ایران می رود  
 این باج ثانویست که از ما میگیرند که  
 آنرا هم اگر تصور کنیم يك کروم تومان  
 باشد سالیانه هفت کروم هشت کروم تومان  
 ما باج نداشتن راهی که نزدیک بخلیخ  
 فارس باشد و مال خودمان باشد میدهم  
 باز شنیدم که از آباد یکی از بزرگترین  
 موقوفات هائی است که در این ده یازده  
 ساله اخیر دولت ایران پیدا کرده است و  
 يك قضیه حیاتی است و ما باید در نظر داشته  
 باشیم که با آنکه امروزه قسمت عده این  
 راه شوشه نیست  
 و مکاری هم هنوز جرات رفتن این  
 راه را ندارد  
 فعلاً يك خرور بار از اهواز باز  
 و هم بهتر میشود فروخت

بیرشانی قسمت مرکزی مملکت مالز  
 نظر فقر اقتصادی قابل توجه فوق العاده  
 است و تمام آقایان میدانند که قسمت مرکزی  
 این مملکت بمتناسب قسمت های دیگر نزدیک  
 سرحدات هستند بیرشانی تراست در سه چهار  
 روز قبل از این حکومت نظامی شهر تهران  
 اعلان کرده بود که راه اهواز بخرم آباد  
 برود باز است و تجار می توانند با کمال  
 آسودگی از این راه استفاده کنند این راه  
 نزدیکترین راه لاریان قسمت مرکزی  
 ایرانست بدین برای آزاد یعنی شلیخ  
 فارس  
 برای اینکه خاطر آقایان کاملاً مسیوق  
 شود که از زنداشتن يك راه نزدیک  
 بخلیخ فارس مملکت هزار ساله چه باجی  
 بغارچه میدهند بنده يك احصائیه هائی  
 جمع کرده ام که حالا بعرض آقایان  
 میرسانم  
 بعد از تشکیل دولت بین النهرین هر  
 ساله مالز بابت حق ترنیزت یعنی حق عبور  
 جنس که از ایران رو به خارج می رود یا از  
 خارج رو بایران می آید سالانه چهار  
 میلیون و نیم الی پنج میلیون  
 روسیه بدولت عراق باج میدهم و تقریباً  
 همینقدر هم منافع تجاری تجار عراق است  
 که از اهل این مملکت و از تجارت این مملکت  
 حق العمل میگیرند و حال مزد حملش را  
 میگیرند  
 بنابراین در هر هفته این شش هفت  
 کروم تومان سالیانه برای این مملکت  
 تمام می شود صرف نظر از اینکه از حیث  
 راه آهنی که در عراق ساخته شده و حمل و  
 نقل جنس میکند نسبت باجناس ایران چه  
 آن جنس که از ایران خارج میشود و چه  
 آن جنس که رو بایران می آید بعنود غیر  
 مستقیم يك اجعائی میشود  
 آقایان میدانند هر راه آهنی از روی  
 کیلومتر یا فرسخ يك حقی دارد  
 حقی که برای هر فرسخ بین بصره و  
 بغداد باید داده شود کمتر از حقی است  
 که بین بغداد و خائنین داده میشود چرا ؟  
 برای اینکه رو بایران می آید و با از طرف  
 ایران می رود  
 این باج ثانویست که از ما میگیرند که  
 آنرا هم اگر تصور کنیم يك کروم تومان  
 باشد سالیانه هفت کروم هشت کروم تومان  
 ما باج نداشتن راهی که نزدیک بخلیخ  
 فارس باشد و مال خودمان باشد میدهم  
 باز شنیدم که از آباد یکی از بزرگترین  
 موقوفات هائی است که در این ده یازده  
 ساله اخیر دولت ایران پیدا کرده است و  
 يك قضیه حیاتی است و ما باید در نظر داشته  
 باشیم که با آنکه امروزه قسمت عده این  
 راه شوشه نیست  
 و مکاری هم هنوز جرات رفتن این  
 راه را ندارد  
 فعلاً يك خرور بار از اهواز باز  
 و هم بهتر میشود فروخت

گرفته اند و آورده اند ب عراق و کربلاش  
 بیست و پنج تومان شده یعنی اگر از اهواز  
 بطهران را حساب کنید يك خرور بار سی  
 و پنج تومان میشود  
 در صورتی که وقتی این جنس را بخواهیم  
 با اهواز یا بخره بفرستیم یا از راه بوشهر  
 یا از راه بغداد شرواری هفتاد و پنج تومان  
 برای ما تمام میشود و از آنجائی که مملکت  
 ما جنس که بخارج میفرستیم مواد خام است  
 یعنی يك موادیکه نمی تواند تاب کربلا زیاد  
 داشته باشد  
 بنابراین ساختن این راه برای مملکت  
 يك قضیه حیاتی است و حالاً که آقای وزیر  
 فوائد عامه پیشنهادی برای تعمیر و ساختمان  
 راه کرده اند و بنده قطع دارم که آقای  
 وزیر فوائد عامه و هیئت معنور هست دولت  
 کاملاً اهمیت این راه را درک میکنند  
 بنده میخواستم استندها کنیم تذکری  
 بدولت داده شود که هر چه زودتر لایحه  
 ساختمان این راه را که نزدیکتر بن راه به  
 دریا است تهیه کنند و به مجلس تقدیم نمایند  
**وزیر فوائد عامه** - آقا در يك  
 مقصودیکه حاصل شده بود بیاناتی فرمودند  
 زیرا که سه ماه قبل از این در يك کمیسیون  
 که در مجلس بنام کمیسیون اقتصادیات  
 تشکیل شده بود مخصوصاً در باب ساختمان  
 راههای اصلی مذاکره شد و یکی از راه  
 هائی که باید طرف توجه واقع شود همان  
 راهی است که ایشان ذکر کردند ولی با  
 مجوز بودن اهمیت این راه وسایر راهها  
 ساختن آنها فرغ داشتن بول است  
 هر وقت يك محل هائی پیدا شد که  
 مخارج ساختمان راهرا تأمین کند فوراً  
 شروع ساختمان خواهد شد  
**رئیس** - وارد دستور بشویم ؟  
**وزیر فوائد عامه** - نظر باینکه  
 راپورت راجع به مستخدمین امریکائی هنوز  
 حاضر نیست از طرف دولت از مجلس  
 شورای ملی استندها میکند لایحه راجع به  
 انحصار قند و چای را مقدم بدارند  
**رئیس** - چند فقره خبر از کمیسیون  
 هرايش و مرخصی رسیده و مدتی است در  
 جزو دوسیه است چون اواخر مجلس هده  
 برای رأی گرفتن کافی نمیشود و اگر اجازه  
 میدهند حالا رأی گرفته شود  
**جمعی از نمایندگان** - صحیح  
 است  
 (شرح ذیل خوانده شد)  
 ۱- آقای مدرس نماینده محترم برای  
 رفع خستگی از اول خرداد ماه تا یازده  
 روز اجازه مرخصی خواسته بودند  
 کمیسیون تقاضای ایشان را بی مورد  
 ندانسته تصویب نمیشاید  
**رئیس** - آقایانی که مرخصی یازده  
 روزه آقای مدرس را تصویب می کنند  
 قیام فرمایند  
 (اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد - آقای عظیمی  
 پیشنهاد کرده اند راپورت کمیسیون بودجه  
 راجع بوزنه مرحوم رهبر جزو دستور روز  
 درجه اول باشد  
**وزیر فوائد عامه** - البته عقیده  
 بنده در اینجا سندیست ولی چیزی بگفته است  
 تأخیر تصویب لایحه قند طور است که باعث  
 از بین رفتن عایدات یکساله خواهد شد  
 چون تجار مقادیر زیادی هم روزه وارد  
 میکنند و انبار میکنند و تأخیر این مسئله سبب  
 خواهد شد که عایدات یکساله ازین برود  
 حالا اگر این قضیه يك مدت قلیلی را  
 اشغال خواهد کرد عیبی ندارد ولی اگر  
 معطلی دارد لایحه قند مقدم است  
**رئیس** - آقایانی که تقاضای  
 آقای عظیمی را تصویب می کنند قیام  
 بفرمایند  
 (اغلب نمایندگان قیام نمودند)  
**رئیس** - تصویب شد  
 (راپورت مزبور شرح ذیل قرائت شد)  
 ماده واحده - مجلس شورای ملی بیاس  
 خدمات مرحوم میرزا اسحق خان رهبر در  
 وزارت امور خارجه تصویب نمیشاید از تاریخ  
 فوت آن مرحوم ماهی یکصد و سی تومان  
 شهریه که سالیانه مبلغ یک هزار و پانصد و  
 شصت تومان بالغ است بشرح ذیل  
 امیرخان - پسر - تا سن بیست سالگی  
 ۱۰ تومان  
 منوچهرخان پسر - تا سن ۲۰ سالگی  
 ۱۰ تومان  
 حسنخان پسر - تا سن ۲۰ سالگی ۱۰  
 تومان  
 حسنخان پسر - تا سن ۲۰ سالگی ۱۰  
 تومان  
 عباسخان پسر - تا سن ۲۰ سالگی ۱۰  
 تومان  
 اختر خانم دختر - تا زمانیکه شوهر  
 اختیار نکرده ۱۰ تومان  
 مهین خانم دختر تا زمانیکه شوهر اختیار  
 نکرده ۱۰ تومان  
 ربابخانم عیال تا زمانیکه شوهر اختیار  
 نکرده ۲۰ تومان  
 جمع ۱۳۰ تومان  
 بوزنه آن مرحوم از اعتبار بودجه  
 وزارت امور خارجه پرداخت گردد  
**رئیس** - آقای معتمد السلطنه  
 معتمد السلطنه - بنده موافقم  
**رئیس** - آقای کازرونی  
 کازرونی - بنده خیلی متأسفم که  
 بایستی خودم را در مقابل اشخاص و ادار  
 بهخافت بکنم مثل اینکه نظر شخصی مردم  
 دارم  
**بعضی از نمایندگان** - صحیح است  
**کازرونی** - بلی صحیح است و  
 صحیح است و صحیح است مگر بفرمایند